

# دو گفتار از کاسترو



[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# دوگفتار از کاسترو

(تأثیر سیاسی انقلاب بر زنان کوبا و لزوم استراتژی کومک  
کشورهای تولیدکننده نفت به کشورهای کم‌پیشرفت)

ترجمه ج. نوائی

www.KetabFarsi.com

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

میهمانان عزیز\* ؛

رفقای عزیز حزب و حکومت ؛

رفقای گرامی فدراسیون زنان کوبا ؛

ما به پایان این کنگره عالی رسیده‌ایم . و ارزیابی رویدادی  
چنین سرشار از کمالات و امید کارچندان سهلی نیست.  
نخست این که این کنگره سربس کنگره خاص ما نبوده است؛  
هیئت‌های نمایندگی شایان تحسین زنان انقلابی سراسر جهان درین  
کنگره سهم فراوانی داشته‌اند .

حضور رفقای بلندآوازه‌یی نظیر فنی ادلمن (Fanny Edelmna)  
والن تینا ترشکووا و آنجلا دیویس و هورتنشیا بوزی (H. Buusi)  
درین کنگره ؛ و شرکت زنانی بی‌شمار از کشورهای برادر امریکای  
لاتین؛ و حضور زنان عرب و خصوصاً نمایندگان خلق قهرمان فلسطین؛

---

\* این نطق را فیدل کاسترو در جلسه اختتامیه کنگره دوم فدراسیون زنان  
کوبایی هاوانا، ۲۹ نوامبر، سال ۱۹۷۴، در « پانزدهمین سال گشت انقلاب »  
ايراد کرده

و تشریف فرمایی زنان هندوچین و در میان آنان ، خلق هزاران بار  
قهرمان ویتنام (ابراز احساسات) ؛ و زنان کوره و زنان خلق انقلابی و  
ترقیخواه افریقا، و زنان کشورهای برادر سوسیالیست و نمایندگان  
زنان کارگر اروپای غربی، نه آیا این حکایت از آن دارد که نمایندگان  
اصیل ترین و برحق ترین آرمان ها در سرتاسر جهان اینجا گردآمده اند ؟  
از فراسوی اقیانوس ها و سرحدات و زبان ها ، نمایندگان زنان  
ترقیخواه سرتاسر جهان درین کنگره دست همدیگر را گرفته و تشریک  
مساعی کرده اند . و دیگر نیازی نیست که اصطلاح «خارجی» را برای  
مشخص کردن این نمایندگان به کاربریم ، چه ، ما در تمام ادوار این  
احساس را تجربه کرده ایم که همه بخشی از یک میهن و یک خلق هستیم ؛  
میهن همگانی و نفوس انسانی . این امر اثبات می کند که هیچ چیز  
مگر استثمار و بهره کشی و بی عدالتی مردم را از هم جدا نمی کند و  
هیچ چیز بیشتر از اشتراک آرمان ها و اشتیاق به عدالت ، خلق ها را متحد  
و یک پارچه نمی سازد .

مسایلی را که ما درین کنگره مورد بحث قرار دادیم یک فایده  
به راستی همگانی دارد . اینها تنها مسایل زنان کمبوا نیست بل مسایل  
اکثریت بزرگ زنان در جهان است .

واضح است که زنان نیاز دارند که در مبارزه علیه استثمار، علیه  
امپریالیسم و استثمار و استعمار نو و نژادگرایی و در یک کلمه: در مبارزه  
برای رهایی ملی شرکت بجویند . اما وقتی هدف رهایی ملی سرانجام  
حاصل شود ، زنان باید به مبارزه برای رهایی خود در چارچوب  
جامعه انسانی ادامه دهند . (ابراز احساسات)

ما پاره‌یی یافته‌ها را از گزارشی که اداره آمار سازمان ملل متحد به دست داده است همراه آورده‌ایم که وضع زنان را در اکثر نقاط جهان نشان می‌دهد.

زنان ۳۴ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند، یعنی ۵۱۵ میلیون تن کارگر. در پایان دهه کنونی، ارزیابی شده که این رقم به ۶۰۰ میلیون تن و در سال ۲۰۰۰ به ۸۴۲ میلیون تن سرخواهد زد.

در اروپای غربی و امریکای شمالی، زنان بین ۳۰ و ۴۰ درصد از نیروی کار را تشکیل می‌دهند.

بر رغم افزایش شمار زنان در مراتب شغلی، علی‌الخصوص در پست‌های حرفه‌یی و فنی، گزارش سازمان ملل متحد تأکید می‌کند که زنان در مقایسه با مردان حقوق کمتری دریافت می‌کنند. گزارش می‌افزاید «گرچه راست است که موانع قانونی علیه مجال‌های برابر شغلی برای زنان ناچیز است و اصول دستمزد برابر برای کار برابر هم اکنون به‌طور کلی پذیرفته شده، در عمل این وضع، کاربرد فوری معیارهایی را برای ازمیان‌بردن این گونه تبعیضات ایجاب می‌کند.»

در بسیاری کشورهای صنعتی، دستمزد زنان تقریباً ۵۰ تا ۸۰ درصد دستمزد مردان برای ساعات مشابه کار است. در کشورهای روبه‌رشد حقوق‌های نازل زنان حکایت از آن دارد که زنان به نازل‌ترین سطوح کار و مشاغل بر حسب مهارت و دستمزد جذب می‌شوند.

بر روی هم، تکیه این گزارش بر روی مسأله دستمزدها است. البته، از تعداد بی‌شمار مسایلی که بر زندگی زنان در جامعه طبقاتی جهان سرمایه‌داری اثر می‌گذارد تحلیلی به دست نمی‌دهد.

به طبع، در کشورهای سوسیالیستی، زن در جاده‌های خود  
پیش‌رفته و مسافت درازی از آن را طی کرده است. اما چطور است  
که ما از خود درباره وضع خودمان جويا شويم: ما که يك کشور  
سوسیالیست هستیم با تقریباً ۱۶ سال انقلاب، آیا می‌توانیم واقعا بگوئیم  
که زن کوبایی تساوی حقوق کاملی در عمل کسب کرده و در جامعه کوبا  
سربه‌سر یگانه شده است؟

برای نمونه می‌توانیم برخی یافته‌ها را بررسی کنیم. پیش از  
انقلاب، ۱۹۴۰۰۰ تن کارگر زن فعالیت می‌کردند، ازین شمار، طبق  
گزارشی که من اینجا دارم، ۷۰ درصد خدمتکار بودند. امروز ما سه  
برابر آن زنان شاغل داریم. شمار زنان در مشاغل غیر نظامی دولتی، که  
همان گونه که می‌دانید اکثر فعالیت‌های تولیدی و خدمات اداری را  
شامل می‌شود، ۵۹۰۰۰۰ تن زن از کل ۲۳۳۱۰۰۰ فردی است که کار  
می‌کند. یعنی ۲۵/۳ درصد کارگران زن هستند. با این همه، شمار زنانی  
که شاغل پست‌های برجسته در تمام این دستگاه تولید و خدمات و  
اداری می‌باشند تنها ۱۵ درصد است. زنان عضو حزب ما فقط ۱۲/۷۹ درصد  
را تشکیل می‌دهند. رقمی کاملاً نازل. و شمار زنانی که به عنوان کادرها  
و مقامات حزبی کار می‌کنند فقط ۶ درصد است.

معهد ما نمونه دیگری داریم که جنبه توضیح دهنده آن قابل  
توجه است و به انتخاباتی مربوط می‌شود که برای قدرت توده در استان  
ماتانزاس (Matanzas) برگزار شد. شمار زنانی که به عنوان کاندید  
گزین شدند ۷/۶ درصد و تعداد زنان انتخاب شده ۳ درصد بود. این  
مطلب را رفیقی از ماتانزاس می‌گفت.



این ارقام موردی است که باید وجهه نظر قرار گیرد و ما را بر آن می‌دارد که کاری در رفع این مشکل انجام دهیم. به این دلیل که در آن انتخابات نامزدها توسط توده‌ها پیشنهاد شدند و توده‌ها تنها ۷/۶ درصد زنان نامزد را پیشنهاد کردند، آن هم در زمانی که زنان تقریباً ۵۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. و توده‌ها تنها ۳ درصد زنان را انتخاب کردند.

چه کسی درین کنگره، هر يك از نمایندگان مدعو که طی يك هفته با شما بوده است می‌تواند درك کند و تصور نماید یا مجسم کند که چگونه، با چنین نهضت پابدار و از لحاظ سیاسی پیشرفته زنان، تنها ۳ درصد آنان در انتخابات انتخاب شدند؟

و این ارقام هیچ چیز را بیشتر از این واقعیت منعکس نمی‌کند که بعد از ۱۵ سال انقلاب، ما هنوز از لحاظ سیاسی و فرهنگی درین مورد کمیتمان لنگ است.

واقعیت این است که هنوز عوامل عینی و ذهنی بی‌وجود دارد که علیه زنان تبعیض روا می‌دارد.

به طبع اگر ما وضع کنونی خود را با آنچه که قبل از انقلاب وجود داشت مقایسه کنیم، پیشرفت‌ها بزرگ و کلان بوده است. این امکان حتی وجود ندارد که بتوان به هر نوع مقایسه‌یی میان وضع زنان قبل از انقلاب و وضع کنونی آنان پرداخت. و آن وضعی که انقلاب با آن رویاروی شد، ایجاد فدراسیون زنان کوبا را سر به سر توجیه کرد. چه، تجربه ما به ما می‌آموزد که وقتی کشوری کم پیشرفت به سان کشور ما خود را آزاد می‌سازد و بنای سوسیالیسم را پی می‌افکند،

سازمانی خلقی نظیر این ضروری است، زیرا زنان وظایف بی شماری دارند که در چهار چوب پویش انقلابی باید از عهده آن برآیند. و به همین علت ما اعتقاد داریم که تصمیم به گسترش این جنبش زنان، به منظور ایجاد این سازمان که در ۲۳ ماه اوت سال ۱۹۶۰ پا به عرصه نهاد، به راستی تصمیمی بخردانه بود چون کاری را که این سازمان انجام داده است با هیچ اسباب و وسایل دیگری نمی توانست انجام پذیرد.

حزب بدون این سازمان زنان چه می توانست بکند؟ انقلاب چکار می توانست صورت دهد؟

راست است که ما سازمان های توده بی عظیم دیگری داریم، مانند اتحادیه های کارگری و سازمان های CDR و سازمان های دهقانی و سازمان های جوانان و دانشجویان و سازمان پیشگامان و حتی سازمان نوزاد گاه ها. اما کدام سازمانی می توانست وظایفی را انجام دهد که فدراسیون زنان کوبا انجام داده است؟

رفیق ویلما (Vilma) از آن وظایف بی شمار گزارش تاریخی در خوری ارایه داد، ولیکن، پیش از هر چیز، تذکار مبارزه برای بسط تفاهم فرهنگی و سیاسی در زنان کوبا اهمیت دارد، چرا که در جامعه سرمایه داری زنان از لحاظ فرهنگی و سیاسی ستم دیده باقی مانده اند، آنان در قیاس با مردان مجال های آموزشی کمتری دارند و بسا زنان در جامعه طبقاتی دقیقاً به دلیل سطح نازل آگاهی سیاسی اغفال می شوند و به کرات از آنان علیه پویش های انقلابی استفاده می شود.

کافی است به یاد داشته باشیم که در میان وظایف مذکور، پاره بی

اهمیت کلان داشت. در نخستین برداشت، وظایفی که به دفاع از انقلاب و میهن و به مبارزه بابتی سوادى و به كوشش برای آموزش دختران دهقان و مبارزه به منظور آماده کردن کارگران محلی برای کارهای تولیدی و مبارزه علیه روسپی گری، و مبارزه برای متشکل کردن زنان در کار و تلاش به منظور ایجاد نوزاد گاهها و وظایف حمایت از آموزش و اقدامات بهداشت عمومی و کار اجتماعی و عمیق تر کردن شعور سیاسی و ایده‌آولوژیی در میان زنان و مبارزه جهت بسط روحیه انترناسیونالیستی در زنان کوبا مربوط می‌شد.

فدراسیون در تمام این زمینه‌ها کار کرده است و همه این وظایف را با موفقیت به انجام برده است. و تنها زنان خود می‌توانستند این فعالیت‌ها را با چنان مهارت و کارآیی انجام دهند.

با وصف این، در مرحله کنونی انقلاب، زن وظیفه‌ی اساسی دارد: او باید نبردی تاریخی را پی بگیرد.

و این وظیفه چیست؟ این نبرد کدام است؟ می‌توانید پاسخی بدهید؟

قضیه، یعنی هسته تحلیل و کوشش‌های این کنگره چه بود؟ مبارزه برای برابری زنان (کف‌زدن حضار). مبارزه برای یگانگی کامل عیار زنان کوبا در جامعه!

و این به راستی نبردی تاریخی است. و ما معتقدیم که این هدف دقیقاً نکته اساسی این کنگره بود، چه، در عمل برابری کامل عیار زنان هنوز وجود ندارد (ابراز احساسات).

و ما انقلابی‌ها باید این امر را درک کنیم و زنان خود باید آن را

دریابند. البته، این تنها وظیفه زنان نیست. وظیفه تمام جامعه است!  
(کف‌زدن حضار).

اما آدم نباید ازین که برابری زنان در جامعه مورد بحث قرار می‌گیرد بیمی به دل راه دهد، گرچه وقتی بحث طرح قانون خانواده راه افتاد بعضی‌ها ترسیدند (خنده و کف‌زدن حضار).

و بلاز (Bias) اینجا برای ما بسا از گفت و گوهایی را که با بعضی رفقای مرد داشته بود - که از مطلب سر درنیآوردند شرح کرد و بالاخره اعتقادات خود را با این استدلال قشنگ خلاصه کرد که سعادت مرد بدون سعادت زن امکان‌پذیر نیست (ابراز احساسات).

وما نمی‌دانیم چرا باید کسی هر اس داشته باشد، زیرا آنچه مایه ترس ما به عنوان انقلابیون می‌شود پذیرفتن این واقعیت است که زنان هنوز در جامعه کو با از برابری کامل برخوردار نیستند (ابراز احساسات). آنچه مایه نگرانی ما در مقام انقلابیون می‌باشد این است که کار انقلاب هنوز کامل نشده است.

البته در این عدم تساوی و نبود یگانگی کامل، چنان که گفتیم، عوامل عینی و عوامل ذهنی مدخلیت دارد. به طبع هر آن چیزی که از تشکل و آمیزش زنان در کار جلو می‌گیرد، این پویش یگانگی را دشوار می‌سازد و سد راه جریان رسیدن به برابری کامل می‌شود. و شما مشاهده کرده‌اید که دقیقاً وقتی زن با کار یگانه می‌گردد و هنگامی که انجام فعالیت‌های سنتی و تاریخی را متوقف می‌کند، در همین موقع این گونه مسایل چهره می‌نماید.

در گفت و گو با تنی چند از نمایندگان درین کنگره، آنان

رضایت خاطر و شادمانی وافر خود را ابراز کردند که ، طی این ایام کنگره، بسا شوهران آنان در خانه ماندند و از بچه‌ها نگهداری کردند تا آنها بتوانند به کنگره بیایند (کف زدن حضار). بی چون و چرا اگر این زنان با فدراسیون پیوند نمی‌خوردند و این مهم را به‌انجام نمی‌بردند و اگر آنان رزمندگان انقلابی نمی‌بودند و درین کنگره شرکت نمی‌کردند ، چنین قضیه‌یی هرگز در خانه‌شان رخ نمی‌نمود و برای شوهران جهت درک این ضرورت و آن وظایف هیچگاه مجالی پدید نمی‌آمد.

در میان عوامل عینی که از درآمیختن زنان در آموزش و کار جلو می‌گیرد، پاره‌یی درینجا مذکور افتاد ، مانند کمبود نوزادگاه‌ها و آموزشگاه‌های روزانه و آموزشگاه‌های شبانه‌روزی کافی، این مسایل به‌ساعات کار مدارس مربوط می‌شود و به‌این عوامل ما می‌توانیم عدم مشاغل کافی برای زنان در سرتاسر کشور و نیز این واقعیت را بیفزاییم که بسی از زنان از سطح شرایط دلخواه برای آن‌گونه کار تولیدی برخوردار نیستند.

درین زمینه ، تا آنجا که موضوع به‌نوزادگاه‌ها و آموزش مربوط می‌شود، انقلاب اقدامات بس گسترده‌یی انجام داده‌است و طی چندسال آینده - و خصوصاً در پنج سال آینده از سال‌های «۸۰ تا ۷۰» - تلاش بزرگتری به‌عمل خواهد آورد ، تا نخست نیازهای دم‌افزون آموزشی خلق خود را اجابت کند و در عین حال درآمیختن زنان را در کار تسهیل نماید.

گنجایش کنونی نوزادگاه‌ها تقریباً ۵۰۰۰۰ تن کودک است .

در نیمه اول برنامه پنج ساله آینده، طرح ساختن ۴۰۰ باب نوزادگاه با گروه‌های دولتی، گذشته از آن گروه کوچک ساختمانی در نظر گرفته شده است (کف‌زدن)، تا این گنجایش را به ۱۵۰۰۰۰ تن کودک افزایش دهیم. یعنی، به سه برابر گنجایشی که اکنون داریم.

نیز ما در نظر داریم ۴۰۰ باب آموزشگاه روزانه برای ۳۰۰ تن دانش‌آموز در هر یک یا به همین تعداد بسازیم تا گنجایش آنها برای ۱۲۰۰۰۰ تن کودک افزایش یابد؛ و قصد داریم دست کم هزار باب دبیرستان با گنجایش بیش از نیم میلیون تن دانش‌آموز اضافی مدرسه شبانه‌روزی بنا کنیم.

نیز به ساختن نوعی مدرسه توجه خاص مبذول می‌شود که چنان که می‌دانید اهمیت فراوانی دارد و آن مدارس ویژه برای شاگردانی با مشکلات خاص است. نظر این است که مدارس با گنجایش بیش از ۴۰۰۰۰۰ تن دانش‌آموز برای این نوع آموزش ویژه ساخته شود.

همپای این، انقلاب امر گسترش بخش بهداشت عمومی را در چند سال آینده ادامه خواهد داد: ۴۹ باب بیمارستان تازه و ۱۱۰ پلی کلینیک و ۱۹ کلینیک دندان پزشکی و ۵۱ باب خانه برای کهنسالان و ۱۶ آسایشگاه برای معلولین در سرتاسر کشور بنا خواهد شد.

کل هزینه‌یی که به امور آموزش و بهداشت همگانی در پنج سال آینده اختصاص خواهد یافت تقریباً ۱/۶۵۰ میلیون پزو می‌شود (ابراز احساسات). به نظر ما این اخبار برای اعضای قدراسیون خوش خواهد بود. (کف‌زدن حضار). و این بدان معنا نیست که ما کاری نورا آغاز

می‌کنیم ، بل بیشتر افزودن وزن آن چیزی است که هم‌اکنون ساخته می‌شود ، چه ، اکنون نیز هر سال بیش از ۱۸۰ باب دبیرستان برای ۵۰۰ تن دانش‌آموز در هر يك، بنامی گردد (کف‌زدن حضار).

برنامهٔ ساختمان بیمارستان هم‌اکنون پیش می‌رود ؛ نخستین دسته‌ها برای ساختمان نوزادگاه‌ها نیز سازمان یافته‌اند . و دسته‌های مورد لزوم برای بنای ۴۰۰ باب نوزادگاه مطروحه و ساختن مدارس ویژه و پلی‌کلینیک‌ها و خانه‌های کهنسالان و آسایشگاه‌های معلولان و آموزشگاه‌های روزانه در سطح ابتدایی ؛ باری این دسته‌ها که هنوز وجود ندارند، در آغاز سال ۱۹۷۵ سازمان خواهند یافت.

این برنامه در دست تهیه است و ما کاملاً یقین داریم که به موقع اجرا در خواهد آمد.

طی این مباحثات، ما توانستیم اهمیت کلانی را که شما برای این مسایل و خاصه مسایل آموزشی قابل شدید درك کنیم. می‌توان گفت که بخش اعظم مباحثات کنگره به گرد این مسایل می‌چرخید . با این حال در زمینه‌های آموزش و بهداشت عمومی میهن ما در میان تمام کشورهای امریکای لاتین مکان نخست را حایز شده است (ابراز احساسات).

و راستش ما تازه شروع کرده‌ایم. دقیقاً در سال‌های اخیر بود که انگیزهٔ بزرگ مدرسه‌سازی پیدا شد. و تازه ما نه تأسیسات به قدر کافی داشتیم نه کادر و نه معلم به اندازهٔ لازم. انقلاب باچه انبوه مشکلاتی رویاروی شده است تا این برنامه‌های آموزشی و برنامهٔ بهداشت عمومی را به موقع اجرا در آورد، آن‌هم وقتی که از ۶۰۰۰ تن پزشك

ما، که تقریباً تمام‌شان در شهر هاوانا متمرکز بودند، یانکی‌ها ۳۰۰۰ تن از آنان را از ما ربودند. این یکی از اشکال بی‌شماری است که امپریالیست‌ها برای انجام جنایات خود به کار می‌بندند؛ چه، اگر آنان در نقاط دیگر - مانند ویت نام - توپ و بمب فرو می‌ریزند تا مردم را نابود کنند، درینجا آنان سعی ورزیدند تمام پزشکان ما را بر بایند تا مردم ربق رحمت را سربکشند؛ همان گونه که ما را محاصره اقتصادی کردند و هنوز در محاصره گرفته‌اند تا خلق از گرسنگی از پای درآید.

البته امروز ما ۹۰۰۰ تن پزشکی در اختیار داریم و آنان طیبیان تابناک حاذقی هستند (کف زدن حصار)، و بیش از ۶۰۰۰ تن از جوانان در مدارس طب تحصیل علم می‌کنند (ابراز احساسات). بنابراین ما نه تنها قادریم نیازمندی‌های پزشکی خود را تأمین کنیم و با افزایش کیفیت آن این مهم را انجام دهیم، بل همچنین حتی توانسته‌ایم دسته‌های پزشکی را برای کومک به دیگر خلق‌های برادر سازمان دهیم (کف زدن حصار). و در سال‌های آینده هر سال ۱۰۰۰ تن پزشکی تربیت خواهیم کرد (کف زدن)، و بعضی از پزشکان خواهند توانست خدمات انترناسیونالیستی خود را انجام دهند (ابراز احساسات). و خدمات بهداشتی ما از حیث کیفی بهبود خواهد یافت و بر امراض چیره خواهد شد و برخی ازین بیماری‌ها را ریشه کن خواهد کرد.

وزیر بهداشت عمومی شرح کرد که میزان مرگ‌ومیر کودکان چه تعداد است: ۲۷/۴ در هر هزار نوزاد. در برزیل - که حتی آمار مرگ‌ومیر وجود ندارد - تخمین زده می‌شود که میزان آن یحتمل



بین ۲۰۰ و ۱۵۰ تن باشد. و بدبختانه این مصیبت بسا از دیگر کشور-  
های امریکای لاتین را شامل می‌شود. این بدان معنا است که در مقابل  
هر کودک که در کوبا می‌میرد، چهار، پنج، شش و هفت کودک در دیگر  
کشورهای امریکای لاتین درمی‌گذرند. همین امر در مورد بسی مسایل  
دیگر صدق می‌کند: مرگ و میر در سنین دیگر- زیرا ما در باب مرگ  
و میر در نخستین سال تولد - توجه پزشکی و به‌طور کلی از آموزش  
حرف می‌زنیم.

وزیر آموزش از ارقامی سخن گفت که بر سطح ترقی آموزش  
در کوبا بازتاب دارد: تمام بچه‌هایی که در مدارس نام‌نویسی می‌کنند  
و شمار دم‌افزونی که از کلاس ششم ابتدایی تصدیق می‌گیرند و انفجاری  
که هم‌اکنون ما در سطح دبیرستان با آن روبرو هستیم، با این برآیند  
که تمام ساختمان‌هایی که ما بنا می‌کنیم کافی نیست.  
معهذا در سال‌های آتی مسأله، تنها شمار بچه‌هایی نیست که  
تحصیل می‌کنند، بل همچنین کیفیت آموزش ما مطرح است. و آموزش  
ما از لحاظ کیفی هر سال بهبود خواهد یافت، همراه با نظام نوینی که  
طرحش ریخته می‌شود و با شمار روبه‌تزايد جوانانی که برای معلمی  
تحصیل می‌کنند و به گروه تعلیماتی می‌پیوندند.

پس اگر ما هم اینک از حیث آموزش و بهداشت عمومی مقام  
نخست را در میان کشورهای امریکای لاتین حایز هستیم، در پنج یا شش  
سال دیگر وضعیتمان چه خواهد شد؟ در سال‌های آینده، با توجه به این  
وزن ساختمانی و پیشرفتی که ما اکنون داریم کدام دورنما در پیش

رویمان است؟

واینجا يك کشور ، تحریم شده است کشوری که امپریالیست‌ها علیه آن جنایت تحریم اقتصادی را مرتکب شده‌اند. ولابد باید از خود پرسیم: چرا تحریم؟ و در کشورهایی که تحریم نشده است چه اتفاقی افتاده است؟ در زمینه آموزشی چه روی داده است؟ در عرصه بهداشت عمومی چه پیش آمده است؟ چه تعداد بی‌سواد دارند؟ شمار بچه‌های بدون مدرسه چه میزان است؟ و چه تعداد خردسال هر روز به سبب کمبود خوراک و دوا و عدم وجود معاینات پزشکی و هرچیز دیگر قالب تهی می‌کنند؟

اما، بعد، امپریالیسم از جان خلق‌های امریکای لاتین چه می‌خواهد؟ که آن وضع را حفظ کند! و آنان از کوبا چه می‌طلبند؟ جلوگیری از کاری که ما داریم انجام می‌دهیم! و این راست است که آنها به يك هدف نایل شده‌اند، بله: حفظ امریکای لاتین در وضع توهین آمیز کنونی. اما از سوی دیگر، این آقایان با تمام جنایات و تحریم‌های خود، قادر نبوده‌اند که راه توفیق‌های اجتماعی انقلاب کوبا را سد کنند، بلی قادر نبوده‌اند، چون این کار در صورت شدن غیرت می‌خواهد (کف زدن طولانی) .

و این حقایق و واقعیت‌ها بیش ازین اختفاپذیر نیست، مهم نیست که امپریالیسم و باباشمل‌های نو کرسیت آن به چه تلاش‌های مذبحانه ویاس آوری متشبث می‌شوند. و کوس رسوایی این حقایق بر درهر بام و دری در سرتاسر جهان زده می‌شود.

و در سوی دیگر ، ازین اتحاد برای پیشرفت آنچه باقی مانده است ، تازه اگر به خاطر کسی خطور بکند ؟ هیچ چیز! ناکامی پشت ناکامی، و با این اوصاف، امپریالیست‌ها و نوکران هفت‌خط‌شان عزم جزم کرده‌اند که تحریم اقتصادی کوبا را، ولو علیه اکثریتی عظیم از کشورهای امریکای لاتین حفظ کنند.

این امر معضلی برای کوبا پدید نمی‌آورد. اما برای امپریالیست‌های یانکی دردسر ایجاد می‌کند ، چرا که انقلاب‌ها پیش می‌رود و امپریالیسم واپس می‌نشیند . و آنها هر قدر طولانی‌تر تحریم را حفظ کنند، رسوایی‌های گندزاتری گریبان امپریالیست‌ها را می‌چسبد و لیاقت و قابلیت خلق ما و انقلاب ما بهتر مشهود می‌شود ! (کف زدن حضار) . OAS (سازمان کشورهای امریکایی) حتی ارزش اشاره کردن را ندارد . چندروز قبل جلسه داشت. هیچ کس کژنگاهی هم به آن نکرد! ( خنده حضار). گروهی از کشورهای امریکای لاتین که حتی روابطی با کوبا ندارند، علیه تحریم کذا به پا خاسته‌اند: ونزویلا و کلمبیا و کوستاریکا. راست است که حکومت کوستاریکا علناً اظهار کرده است آن قدر که دل‌نگران غرق شدن OAS بوده دل‌واپس تحریم کوبا نبوده است و اگر تحریم ادامه یابد، OAS سربه‌سر غرق می‌شود . بگذار OAS و

۱- طرح اتحاد برای پیشرفت را گندی ریخت بی آن که کشورهای امریکای لاتین در طرح این نقشه عظیم استعماری نقشی داشته باشند . انقلاب کوبا یکی از علل اصلی اجرای طرح مذکور بود. اگر انقلاب کوبا ، دیگر کشورهای امریکای لاتین را تهدید نمی‌کرد این طرح که در اساس منزوی کردن اقتصادی و سیاسی کوبا بود احتمالاً به موقع اجرا در نمی‌آمد . مترجم

پیمان همکاری متقابل ملل آمریکا و تمام چیزهای دیگر ازین قماش  
محو و نابود شود!

اما این هم هست که آنها نبردی را ساز کرده اند، علی الخصوص  
ونزوئلا و کلمبیا، البته در حمایت از شمار دم افزون حکومت های  
دوستی که ما هم اکنون در امریکای لاتین داریم. دوازده حکومت علیه  
محاصره اقتصادی و سه حکومت به طرفداری از آن رأی دادند. و چه  
حکومت های حق طلب نمونه بی: (خنده حضار) شیلی و پاراگوئه و  
اروگوئه. سه حکومت نمونه فاشیست در قاره و نیز سوپر بدنام ترین  
حکومت ها در سرتاسر جهان. گرچه برادران تنی آنان را در ایران و  
افریقای مرکزی نیز داریم. و یانکی ها؟ آنها کنار نشستند، به صرف  
این که از ریاکاری و دغل بازی دست برندارند (ابراز احساسات).  
و برزیل کنار نشست.

لکن آنچه آنان درباره OAS و حکومت های معینی درین  
نیمکره می فرمایند جالب توجه است:

مرحمتاً اظهار می کنند که مسئولان ابتکار لغو تحریم ۱۵ رأی  
داشتند. یانکی ها شعبده بی ساز کرده اند که دوسوم آراء حاصل شود.  
و مسئولان این ابتکار ۱۵ رأی داشتند: ۱۲ رأی علیه محاصره اقتصادی  
و به اضافه هائیتی و گواتمالا و بولیوی. و مطابق تمام اخبار و روایات،  
این حکومت ها بی شرمانه زر خرید حکومت ایالات متحد شده اند.  
علیه چیزی رأی نده، بل ازین قاعده نوین تابعیت کن: «کنار بنشین»  
(خنده حضار). گویا فعلاً عصر کنار نشینی است! و نتیجه: سه رأی  
موافق، شش رأی «ممتنع» - که نوزاد قاعده تازه است - و ۱۲ رأی

علیه تحریم اقتصادی. ازین قرار، موافق با قوانین امپریالیسم پرستاره، تحریم به قوت خود باقی می ماند. ملاحظه می کنید که آنها چه زحمتی کشیده اند! اسم زحمتکشان بد دررفته است (خنده حضار).

اکنون راستش ما نمی دانیم که برخی از حکومت ها که روابطی ندارند و با این حال علیه تحریم رأی دادند، در مقابله با این مانور بی شرمانه و با این توهین و در برابر این گستاخی امپریالیست ها چه کار می کنند.

آدم حتی نمی تواند يك حساب سرانگشتی از تعداد دفعاتی که برخی کشورهای امریکای لائین خود را فروخته اند به دست دهد. مورد هائیتی، موردی تاریخی است. اوضاع در هائیتی با این همه گرسنگی و بی سوادى و فقر، دهشتناک تر ازین نمی شود؛ و خلق هائیتی پر ادبارترین مصیبت هایی را که يك خلق می تواند طاقت بیاورد تحمل می کند. آنان همسایه ما هستند. يك وقت آنها را برای آن که اقداماتی علیه کوبا به عمل آورند خریدند؛ و اکنون از نو رأی شان را خریده اند! و هر دفعه که جلسه پی بر گزار می کنند، حکومت هائیتی به فکر می افتد که چند رأی کم یا چند تا زیاد دارد و این که چه قدر باید برای رأی پول خرج کنند. باز روز از نو و روزی از نو. داد و ستد آغاز می شود و بار دیگر فروخته می شوند و اکنون از نو فروخته شده اند.

و یانکی ها اسم این را يك سازمان بین المللی، يك سازمان منطقه ای می گذارند. چه اسم با مسمايي. داد و ستد همان است فقط اسمش عوض شده است!

اما کسانی که فی الواقع می اندیشند که OAS و ITMA

(پیمان همکاری متقابل ملل امریکا) در شرف اضمحلال است راه عقل سلیم را پیش گرفته‌اند و ما چاره‌ی نداشتیم جز این که بینیم OAS سرانجام جانش به لب می‌رسد، آن وقت احساس راحتی و خوشحالی می‌کنیم! (کف‌زدن حضار) . و خیال همه شما آسوده باشد که ما هیچگاه يك انگشت هم برای نجات آن دراز نخواهیم کرد - البته اگر میسر باشد که جنازه‌ی را نجات داد. و ما با صبر و استقامت تا غرق نهایی آن، اکنون و در هر زمان دیگری که این جسد نیمه جان برای يك بار و همیشه دراز شود به انتظار می‌نشینیم و صلواتی هم نمی‌فرستیم! و ما موضع و اصول خود را، که باید این دستگاه امپریالیستی فروریزد حفظ خواهیم کرد. و ما واقفیم که اگر حکومت‌های امروز کاری نکنند که این دستگاه فروریزد و نابود شود، يك روز خلق‌ها این کار را انجام خواهند داد! (ابراز احساسات طولانی) . و من معتقد نیستم که تمام حکومت‌های امریکای لاتین در این برهه از زمان چندان کشتی به OAS داشته باشند. هر قدر موضع آنان مستقل و مترقی و بالنده باشد، نفرت‌شان نسبت به این دکان عمیق‌تر خواهد شد. با این همه، انقلاب کوبا باید حکومت‌هایی را که علیه محاصره اقتصادی رأی دادند مورد توجه قرار دهد، هر چند که آنها با کوبا روابطی نداشته باشند. و ما ازین فرصت استفاده می‌کنیم تا سپاس و احترام خود را ابراز نماییم (کف‌زدن) و اگر هر يك ازین حکومت‌ها بر آن شود که روابط خود را با کوبا از سر گیرد، ما به هیچ وجه مخالف از سر گیری مناسبات با آنها نخواهیم بود (ابراز احساسات). آنها در مواجهه با جنایت و جسارت توهمین آمیز امپریالیستی، تنها با موضع

شجاعانه می‌توانند پاسخ دهند. و این چیزی است که تاریخ در آینده رقم خواهد زد: آن حکومت‌ها به قدر کافی مصمم بودند که درین لحظه موضعی دلیرانه را انتخاب کنند! (کف‌زدن حضار).

در موارد دیگر، شتاب ما برای چیست؟ اگر ما داریم موفق می‌شویم و به طرف پیروزی کوس بسته‌ایم و اگر اکنون میهن ما بر رخم محاصره، بیش از هر وقت دیگری پیشرفت می‌کند و اگر تمام برنامه‌های ما با وجود تحریم اقتصادی به موقع اجرا درآمده است پس چرا باید ناشکیب باشیم؟ و تمام آن بیمارستان‌ها و پلی‌کلینیک‌ها و کلینیک‌های دندان‌پزشکی و مدارس و نوزادگاه‌ها و دانشگاه‌ها را ما، بر رخم محاصره طرح ساختنشان را ریخته‌ایم (ابراز احساسات).

پس میهن ما می‌تواند راه خود را به آرامی و با اعتماد به نفس به پیش ادامه دهد. این پانزده سال به بطلت سپری نگشت. و انقلاب امروز بیش از گذشته پابرجا و استوار هست، و انقلاب امروز بیش از هر وقت دیگری استحکام یافته است و انقلاب امروز با ریتم و وزنی طی طریق می‌کند که هیچگاه در گذشته حرکت نکرده بود.

من این همه حرف زدم تا عوامل عینی را که مانع یگانگی زنان می‌شود، با اشاره به مدارس و بیمارستان‌ها و غیره بر شمرم. و راستش همین قدر میل داشتم که برای شما اندیشه‌ها و طرح‌هایی را که با حل این معضلات در ارتباط است بیان کنم.

شما از تمام گوشه و کنار این مملکت آمده‌اید. اینجا رفقای حضور دارند از گوانه (Guane) و جزیره پینس (Pines) و استان هاوانا و ماتانزاس و خاگویی (Jaguey) و استان اسکام برای

(Escambray) و سانچتی اسپریتوس (Sancti Spiritus) و سولا (Sola) و وی-ویتاس (Veguitas) و -وانتانامو (Guantanamo) (کفزدن حضار) ؛ و شما واقف هستید که چگونه مدارس انقلاب از همه جا سرسرمی آورد و چسان دورنما و زندگی حومه‌های شهرهای ما را تغییر می‌دهد (ابراز احساسات) . و ما با همین وزن و نواخت پیش و بازهم پیش خواهیم رفت.

مسأله‌یی که در اینجا مطرح شده بود این بود که آیا اقدامات مشابه در مدارس متوسطه در حومه شهر به مانند آموزشگاه‌های روزانه با توجه به حال فرزندان که مادران‌شان کار می‌کنند به عمل می‌آید و این که اکنون برخی نواحی است که تمام دانش‌آموزان ، تمام آنها ، هم‌اینک در مدارس متوسطه در حومه شهرها درس می‌خوانند ، همه دانش‌آموزان درین سطح . مناطق مختلفی در روستاها است که البته این مشکل در آنها دیگر وجود ندارد زیرا از تمام جوانان مراقبت می‌شود .

وزیر آموزش عواملی را که مانع این امر است برشمرد و موضوعی را که يك جوان بدون دبیرستان مکاتبه‌یی است و نه شاگردی که تصدیق کلاس ششم ابتدایی را گرفته و به سطح عالی تری نمی‌رود مورد توجه قرار داد ؛ و همین اصول به علت مشکلات مورد بحث نمی‌تواند در این گونه مدارس عملی شود . اما ، ما معتقدیم ، با این همه ، بازهم می‌توان کاری به نفع بچه‌هایی که مادرانشان کار می‌کنند ، یعنی دانش‌آموزان دبیرستان ، در نواحی و استان‌های معین انجام داد ؛ چه ، برای مثال بسا اوقات آنان يك مدرسه کامل را به منظور دایر کردن يك



مدرسه ابتدایی منحل می کنند و در هر حال ناگزیرند که محل هایی را برای آن گونه شاگردان بیابند.

ولیکن این طرح ، طرح عادلانه یی است ؛ یعنی اشتیاقی که اینجا توسط برخی رفقای نماینده ابراز شد و در عین حال نیز منصفانه است که مشکلات وزارت آموزش مدنظر قرار گیرد ، چون مشکل شماره يك این وزارتخانه این است که تمام تغییرات و تلفیقات ممکن را به عمل آورد تا به این هدف که هیچ شاگرد کلاس ششمی بدون مدرسه نماند نایل آید.

نیز ما معتقدیم که ، در درازمدت مسأله آموزش گاران کمکی حل خواهد شد. از دیدگاه ما کشور باید با ضرورت استخدام شماری از رفقای متخصص در این وظیفه روبرو شود و لازم خواهد بود که از ملاحظات اقتصادی، تحلیلی به دست دهیم و نیز تسهیلاتی را که این دسته از معلمان کمکی باید ادامه دهند بررسی کنیم.

اگر هم اکنون نزدیک به ۶۰۰۰۰ تن زن شاغل سرگرم کار هستند و ۲۵۰۰۰۰ تن دیگر در پنج سال آینده به مراکز کار جذب خواهند شد، راه حل دیگری وجود نخواهد داشت مگر این که مسایل مربوط به ساعات را از میان برداریم که مدارس ابتدایی و آموزشگاه های روزانه و مسایل روزهای شنبه بدان می پردازد.

مشکل تعطیلات نیز مطرح شده بود . و ما معتقدیم که کشور منابعی در اختیار دارد که می تواند مسأله تعطیلات تابستانی را حل کند، زیرا ما سرگرم ساختن صدها باب مدرسه متوسطه در ییلاقات هستیم و از این تأسیسات نیز می توان برای طرح های تعطیلات تابستانی بهره

جست .

اینها بناهای عظیمی است و ما اکنون امکانات بهره جویی از آنها را در تعطیلات تابستانی بررسی می کنیم. بسی ازین مشکلاتی که شما درینجا مطرح کرده اید با آنچه ما امروز در اختیار داریم رفع شدنی است. و در درازمدت تمام این مشکلات که از پیوستگی زنان در کار جلومی گیرد و مشخص ترین مانع راه پیشرفت زنان کوبا در امتداد جاده رهایی خود آنان محسوب می شود از پیش پا برداشتنی است و ما در برابر تمام این دشواری های عینی دیر یا زود چیره خواهیم شد. قضایای دیگری وجود داشت که دست کم در مباحثات کنگره بدانها اشاره نشد، مانند مسایل مربوط به لباس شویی ها و جزاینها. اما ما این مشکلات مادی را حل خواهیم کرد.

و اکنون دشواری های دیگری وجود دارد، که آنها را به عنوان خصوصیات ذهنی و جهة نظر قرار می دهیم. و این دشواری های ذهنی کدام است ؟ مسأله فرهنگی قدیمی و عاداتی دیرینه سالة و روحیات عهد عتیق و تعصب و پیشداوری های قدیمی مطرح است.

فی المثل مجریانی هستند که هر گاه بتوانند به مردی کار رجوع می کنند و به زنی کار نمی دهند و این عمل آنان چند علت دارد : آنان به مسایل ایجاد کار و قضایای مادر بودن و در دسرهای ناشی از غیبتی که يك زن ممکن است داشته باشد می اندیشند. علل و عوامل بسیار است؛ اما واقعیت این است که زن بر حسب مجال های شغلی مورد تبنیض قرار می گیرد.

يك بار قطعنامه ۴۷ حکم کرده بود ، که شماری از مشاغل ،

مشاغل معین فقط برای اشتغال زنان مشخص شود. بعدها، این قضیه در کنفرانس کارگران بررسی شد و پیشنهاد گردید که قطعنامه ۴۷ لغو شود و در عین حال قرار شد که قطعنامه ۴۸ که زنان را از اشتغال به شغل‌های معین منع می‌کرد، عمیق‌تر مورد مطالعه قرار گیرد.

در هر حال، این معضل باید از میان برود، اگر نه در شکل حمایت از این گونه مشاغل - که مشکلات خاصی را پدید آورده است، زیرا بسا اوقات کارکنان زن واجد شرایط برای کار مربوطه رجوع نمی‌کنند - دست کم در ایجاد کار در مراکز کار، در مشاغلی که در آنها، حق تقدم زنان باید رعایت شود؛ و در هر صنعت تازه و هر مرکز کار نوین ایجاد کار باید مورد توجه قرار گیرد. و حزب و سازمان‌های کارگران و سازمان‌های توده‌یی و ادارات عمومی در داوری کارآیی این گونه مراکز کار، باید این امر را مورد توجه قرار دهند که آیا محل‌های شغلی که برای زنان حق تقدم قابل می‌شود در واقع و به راستی زنان در آن اشتغال دارند.

و هر کارخانه تازه‌یی که در هر شهرک کوبا ساخته می‌شود باید از هم‌اکنون معین کند که چه نوع کاری قرار است به زنان محول شود (ابراز احساسات) تا بدین سان وقت کافی برای پرداختن به گزینش و تربیت آن دسته از زنان وجود داشته باشد.

ضوابط و خط‌مشی حزب و سازمان‌های توده‌یی باید ابقاء و تأمین شرایطی برای زنانی باشد که قرار است در کار جذب شوند. نخست، قضیه عدالت اساسی مطرح است؛ و دوم ضرورت الزام آور انقلاب است، این خواست پیشرفت اقتصادی ما است، چه، در مواردی

نیروی کار مردانه کافی نیست، بلی کافی نیست!

وازمین سبب لازم می آید که بیکاری پایدار علیه آن روحیاتی ساز شود که در مورد زنان در مجالهای شغلی آنان تبعیض رومی دارد.

درین کنگره، شما به انواع دیگر مشکلاتی که زنان دارند اشاره کردید، مشکلات مربوط به خانه و مراقبت از بچه و عادات عهد عتیق و راههایی را برای غلبه بر این مشکلات پیشنهاد کرده اید.

در پژوهشی که به عمل آمده بود، نشان داده شد که مردان گرایشهای منفی دارند و برخی زنان نیز ازین گونه گرایشها دارند و آمده بود که این امر به اقدام آموزشی ویژهیی نیاز دارد.

ما باور داریم که این مبارزه علیه تبعیض زنان و تلاش برای تساوی و یگانگی آنان باید با یاری تمام جامعه صورت گیرد، و در برداشت نخست این وظیفه حزب ما است؛ و وظیفه مؤسسات آموزشی و تمام سازمانهای تودهیی ما می باشد.

ما از سخنانی که در اینجا به نام جوانان ما ایراد شد سخت خشنود شدیم، در باب این که آنان خود چگونه جهادی را به منظور غلبه بر پیشداوریها و روحیاتی که گرانجانی می ورزد پی می گیرند. شاید این گونه عوامل ذهنی بر مبارزهیی حتی گسترده تر از عوامل عینی دلالت دارد. زیرا همپای پیشرفت اقتصادی مان، ما بر مشکلات مادی فایق خواهیم آمد و یک روز تمام نوزاد گاههایی که نیاز داریم و تمام آموزشگاههای روزانهیی را که احتیاج داریم و همه مدارس شبانه روزی و خدمات مورد نیاز را در اختیار خواهیم داشت (کف زدن

حاضر).

اما ما همچنین باید از خود پرسیم که کی روش‌های قدیمی اعتقادات را ریشه کن خواهیم کرد و چه وقت بر همه آن تعصبات و پیشداوری‌ها چیره خواهیم شد. البته، ما تردید نداریم که این گونه تعصبات سرانجام از میانه برمی‌خیزد. نیز سخت مشکل می‌نمود که بر مفاهیم مالکیت خصوصی که قبل از انقلاب در جامعه ما وجود داشت فایق آییم. تصور زندگی بدون مالکیت خصوصی امکان‌پذیر نبود. و امروز به راستی تصور زندگی بدون مالکیت سوسیالیستی و سایل تولید غیرممکن است (ابراز احساسات).

اما بسا خلق و خوی‌ها از دورانی باقی مانده که مطابق آن زنان نیز در چهارچوب جامعه، ملك و مال به شمار می‌آمدند. و اکنون این گونه اعتقادات باید از میان برود. و ما درك می‌کنیم قانون خانواده فی نفسه، که این همه مباحث را دامن زده است، وسیله درخور اهمیت حقوقی و آموزشی است که به غلبه بر آن عادات و آن قماش از پیشداوری‌ها کومك می‌کند.

لکن برای نیل به این هدف‌ها، مردان و زنان باید دست‌در‌دست یکدیگر مبارزه کنند، زنان و مردان باید جداً و عمیقاً ازین مسأله آگاه شوند. آنان باید به کومك یکدیگر این پیکار را پی‌بگیرند. و ما یقین داریم که این مبارزه پی‌گرفته می‌شود و به پیروزی نایل می‌آید! و ما مسلم می‌دانیم که شما نیز درین مورد یقین دارید! (ابراز احساسات) و توافق‌های این کنگره ساز و برگ‌های بس کارآیسی در این مبارزه خواهد بود.

من معتقدم که تمام قطعنامه‌ها بسیار ارزشمند و درخور اهمیت

است. قطعنامهٔ مربوط به زن کارگر و زن جوان و زن دهقان و کدبانوها و نقش FMC (فدراسیون زنان کوبا) و نقش خانواده در سوسیالیسم؛ و قطعنامهٔ ویژه دربارهٔ شرکت زنان در تربیت بدنی و تفریحات و ورزش‌ها؛ و قطعنامهٔ مربوط به سه سال بین‌المللی زنان و همبستگی و دعوت الهام‌بخش از زنان کوبا و آمریکای لاتین و زنان سراسر گیتی به منظور همبستگی با شیلی. تمام این قطعنامه‌ها، قطعنامه‌های گران‌سنگ این کنگره است.

و ما معتقدیم که تمام این اسناد را باید برداشت و مطالعه کرد. و نه تنها در محافل فدراسیون، بل همچنین دیگر سازمان‌های توده‌یی و حزب نیز باید آنها را مطالعه کند (ابراز احساسات).

زیرا این قطعنامه‌ها برنامهٔ راستین کار را برای این مبارزهٔ تاریخی و برای این پیکار تاریخی که شما در پیش روی دارید تا این وظیفهٔ انقلابی را به انجام برید ارائه می‌دهد.

یکی از چیزهایی را که انقلاب ما در سال‌های آتی دآوری خواهد کرد این است که ما چگونه مسایل زنان را در جامعه و سرزمین خود حل و فصل کردیم (ابراز احساسات)، هرچند این یکی از مسایل انقلابی است که به پافشاری و پایداری و پایداری و تلاش افزون‌تری نیاز دارد.

در باب مسألهٔ پیشداوری، به شما گفتیم يك بار چه اتفاقی در سیرا مائسترا (Sierra Maestra) اتفاق افتاد وقتی که ما برای سازمان دادن دستهٔ «ماریانا گراخالس» (Mariana Grajales) رفتیم و با مقاومت سختی در مورد مسلح کردن این واحد زنان روبرو

شدیم و این خاطره‌پی است برای ما که چند سال قبل ما چقدر زیاد عقب مانده بودیم. برخی مردان معتقد بودند که زنان توان جنگیدن ندارند. ذمی خیال باطل!

معهدا آن واحد سازمان یافت و زنان به نحو احسن جنگیدند با تمام دلاوری که دلیرترین سربازان ما می‌توانستند نشان دهند. این قضیه در تاریخ نخستین بار نبود که رخ می‌داد. در مبارزه زیرزمینی زنان وظایف بس بی‌شماری را انجام دادند که در مواردی با خطری بزرگتر از خطرات خط مقدم جبهه روبرو شدند. و در درازای جنگ جهانی دوم و به هنگام تجاوز فاشیستی علیه اتحاد شوروی هزاران زن در واحدهای ضد هوایی و در جنگنده‌ها و بمب افکن‌ها و حتی با چریک‌ها و در جبهه به‌نبرد پرداختند. با این وصف هنوز پیشداوری‌ها و تعصبات دیرینه ساله گرانجانی می‌ورزد و تحمیل می‌شود.

و طبیعت زن را از لحاظ جسمی ضعیف‌تر از مرد ساخت، لکن قالب او را از حیث روحی و فکری کهنتر از مرد سرشت (کف زدن حضار). و جامعه انسانی وظیفه دارد که نگذارد این تفاوت قدرت بدنی به‌موردی تبعیض آمیز علیه زنان تبدیل شود. این دقیقاً وظیفه جامعه انسانی است: که هنجارهای همزیستی و عدالت را برای همه پی-افکند.

و صد البته جوامع استثمارگر و طبقاتی زنان را استثمار می‌کند و بر آنان تبعیض روا می‌دارد و ایشان را قربانی نظام می‌کند. جامعه سوسیالیستی باید تمام اشکال تبعیض علیه زنان و تمام مظاهر تبعیض

غیر عادلانه از هر قماش را ریشه کن کند (ابراز احساسات).

اما زن نیز وظایف دیگری در جامعه دارد. زن کار گاه طبیعت است که زندگی در آن شکل می گیرد. او بلند مرتبه ترین صانع و خالق موجود انسانی است. و این را من از آن روی می گویم که زن به جای این که آماج تبعیض و نابرابری قرار گیرد، شایسته توجه خاصی از طرف جامعه می باشد.

این نکته را من به این دلیل ذکر کردم چون چیزی است که باید ما دقیقاً ملکه ذهن خود کنیم: مبارزه برای برابری و یگانگی کامل زنان هرگز نباید با عدم رعایت حال آنان قلب ماهیت شود؛ این بدان معنا نیست که عادات احترام آمیزی را که هر زنی لایق آن است از دست بدهیم (کف زدن حضار). زیرا کسانی هستند که تساوی را با گستاخی و بی ادبی اشتباه می گیرند (ابراز احساسات).

و اگر زنان به لحاظ جسمی ضعیف تر هستند، اگر آنان باید مادر باشند؛ و سوای مسئولیت های اجتماعی و کاری شان، سنگینی بار تولید مثل و بچه داری را تحمل می کنند تا موجود انسانی را که پای به جهان می گذارد به دنیا آورند (ابراز احساسات)، و اگر آنان به لحاظ جسمی و زیستی فداکاری هایی را تحمل می کنند که کارکرد های مذکور برایشان همراه می آورد، پس همین زنان هستند که باید از تمام احترام و توجهی که در جامعه شایسته آن می باشند به نحو احسن برخوردار شوند (کف زدن حضار).

اگر قرار است در جامعه انسانی امتیازی وجود داشته باشد و اگر بنا است در جامعه انسانی نابرابری یافت شود، باید به نفع زنان



امتیازات کوچک خاص و نابرابری‌های ناچیز معینی وجود داشته باشد  
(ابراز احساسات).

ومن این نکته را به وضوح و بی‌پرده می‌گویم، زیرا برخی مردان می‌انگارند وظیفه ندارند که در اتوبوس جای خود را به یک زن آبستن بدهند (کف‌زدن حضار)، یا به زنی سالدار یا به دختری خردسال یا به زنی در هر سن و سال که سوار اتوبوس می‌شود (ابراز احساسات). به همان نسبت نیز که من گمان می‌کنم هر جوانی وظیفه دارد در اتوبوس صندلی خود را به یک پیرمرد بدهد (کف‌زدن حضار). همین حس مسئولیت اساسی است که ما باید نسبت به دیگران داشته باشیم: در اتوبوس و در کار تولیدی و در کامیون، باید به هر دلیل رعایت حال دیگران را کرد.

این امر در مورد زنان صدق می‌کند و باید با آنان چنین رفتاری داشت زیرا آنان به لحاظ جسمی ضعیف‌تر هستند و به این دلیل که ایشان وظایف و عمل کردها و مسئولیت‌های انسانی دارند که مرد ندارد (ابراز احساسات).

ازین روی ما از آموزگاران مان و از پدران و مادران و از سازمان‌های جوانان و پیشگامان مان درخواست می‌کنیم که به این سنخ از رفتار در بچه‌ها و به این نوع رفتار در جوانان مان توجه خاص مبذول بدارند.

زیرا سخت اسفبار خواهد بود اگر، با این انقلاب حتی خاطره‌ی از آنچه مردانی در جامعه بورژوا بر سر آئین جوانمردی بورژوایی یافتند آوری آوردند نباشد. و به جای آئین جوانمردی بورژوایی

و فتودالی ، باید آئین جوانمردی پرولتری و ادب و نزاکت و آداب و ملاحظه و توجه پرولتری نسبت به زنان وجود داشته باشد ( ابراز احساسات ) .

و من این را با این یقین می گویم که اشخاص آن را درک می کنند و از آن حصه می برند، با این یقین که هر مادر و پدری میل دارد که پسرش پرولتر جوانمردی باشد ( کف زدن حضار ) ، آن نوع مردی که به زنان احترام می گذارد و رعایت حال آنان را می کند و قادر است اندک ایثاری بکند که مایه رسوایی هیچ مردی نمی شود بل برعکس باعث بلندی و ارتقاء اخلاقی او می گردد ( ابراز احساسات ) .

و من اینجا ، در اختتام این کنگره که در آن مسأله مبارزه برای برابری و یگانگی زنان، هسته فعالیت سیاسی و انقلابی آنان در سال های آتی شده است ( کف زدن حضار ) این موارد را می گویم تا مبادا مطلبی با مطلب دیگر اشتباه شود. من هر آنچه را که واقعاً احساس می کنم می گویم .

و ما همیشه به اشکال لفظی و زبانی تبعیض علیه زنان تصادفاً برمی خوریم ؛ آگاپیتو فیگوئروا (Agapito Figueroa) رفیقی که اینجا از طرف کارگران سخن گفت از اصطلاحات تبعیض آمیزی که به کار می رود حرف زد. و ما باید حتی درین مورد احتیاط کنیم. زیرا گاه ما شعاری به کار می بریم که سخت دلنشین می نماید ، مثلاً: «زن باید رفیق مرد باشد»؛ ولی ممکن است شخصی نیز بگوید: «مرد باید رفیق زن باشد». ( کف زدن حضار ) .

نوعی عادت زبانی وجود دارد که همیشه مرد را مرکز هر چیز

قرار می‌دهد و این از نابرابری نشانه دارد، یا نابرابری را بازتاب می‌کند و عادات اندیشیدن را منعکس می‌سازد، هر چند زبان در تحلیل نهایی کمترین اهمیت را دارد، کلمات کمینه‌ترین بهاء را حایز است. موافقی هست که کلمات چیزی را در گذشته به خاطر ما می‌آورد، هر چند دیگر همان معنی را ندارد. اعمال است که به راستی اهمیت دارد! در پراتیک (عمل) باید آب دیده شد نه در لفاظی و فلسفه بافی!

بسا چیزها درباره این کنگره ما را تحت تأثیر قرار داد. پیش از همه و مثل همیشه شور و حرارت و نشاط و کشش و علاقه‌ی است که شما نشان داده‌اید؛ اما علی‌الخصوص سطح آگاهی سیاسی است که این کنگره منعکس کرد، چه، این کنگره پیشرفت سیاسی زن کوبایی را باز نمود. کادرهایی که در نهضت زنان کوبا قامت می‌کشند بر ما تأثیر گذاشتند؛ نیز سرعت انتقال و ژرفا و اطمینان و ایقانی که نمایندگان درین کنگره نشان دادند.

من می‌دانم که میهمانان ما تحت تأثیر قرار گرفتند زیرا وزیر مسئول را در مباحثه با شما و شمارا در مناظره با او دیدند؛ آنان از صداقت و صراحت و سادگی چشمگیر و صرافت طبع عمیقی که مباحثات ظاهر ساخت رضایت خاطر داشتند. و این همه، البته در فضایی سخت منضبط چهره کرد.

راستش ما چندان تحت تأثیر این چیزها واقع نشدیم، زیرا همه بدان عادت داریم و هیچ چیز خارق‌العاده‌ی در این واقعیت وجود ندارد که وزیری و شخص دیگری در باب مسایلی با شما یا درین باره در مجمع دانشجویی یا کارگری یا هر جای دیگر بحث و گفت‌وگو کند؛

او با توده‌ها به بحث می‌نشیند و اگر لازم باشد هزار و یک توضیح به توده‌ها می‌دهد (کف‌زدن حضار).

نیروی انقلاب درین خویشی و نزدیکی و در این اتحاد و یکسانی میان توده‌ها و حکومت و میان خلق و دولت و مردم و مقامات نهفته است همین امر است که به انقلاب نیروی شکست ناپذیری می‌دهد، چه، توده‌ها بر همه چیز ناظر و شاهد آن هستند - بر دولت و حکومت - و بر هر چیزی که متعلق به آنان هست؛ نه بر چیزی دیگر، بر چیزی خارجی یا بیگانه. و هیچ رهبری نمی‌تواند بر مناصب و وظایف و قدرت به عنوان ملك طلق پدری خود چشم بدوزد (کف‌زدن حضار). اما در هر حال سخت مایه خرسندی ما شده است که می‌بینیم چگونه میهمانان ما درباره شکل و محتوی این کنگره نظر داده‌اند.

برای من، پیشرفت‌هایی که زنان کوبا کرده‌اند خصوصاً دلشادم می‌کند، دانش سیاسی کنونی و قدر و مرتبه آنان که در میان توده‌ها راه باز می‌کند، مرا خوشنود می‌نماید - و یقین دارم رفقای دیگر نیز خوشنود هستند - زیرا رهبری تابناکی را که بسط یافته است و کارهای کارآیی که این نهضت را به رهبری رفیق ویلما اسپاین (Vilma Espin) (کف‌زدن حضار) هدایت می‌کنند به چشم هوش خود می‌بینند، همین رهبران گرانمایه‌یی که سازمان در اختیار دارد؛ تجارب و پشت کار و عمق آنان همراه با کیفیات و خصوصیات انسانی‌شان. درود بر شما خواهران رزمنده مردم گرای که دست در دست برادران و همسران خود بنای سوسیالیسم را پی‌ریخته‌اید! و باز مشاهده می‌کنیم که در استان‌ها و در مناطق و در شهرداری‌ها همین سنخ از کادر قد بر می‌افرازد و همین نوع

از رهبران قامت می کشند. و می بینیم که توده های کارگر چنین نمایندگان بلندمرتبه و تابناک را به این کنگره فرستاده اند (ابراز احساسات).  
ما از دیدن نیرویی که انقلاب بر زنان دارد دلشادیم (کف زدن حضار)؛ و خوشنودیم که کیفیت انقلابی زنان کسوبا را تأیید کنیم (ابراز احساسات) و باید بر خود ایشاری و انضباط و حمیت و شور حرارت برای انقلاب و برای اندیشه های بر حق و آرمان راستین زنان کسوبا درود بفرستیم و فضایل آنان - که بدان در موارد دیگر اشاره کرده ایم - فضایی است که از رزمندة انقلابی و این زنان که تا بدین اندازه از آن برخوردارند طلب می شود (کف زدن حضار). و نیز ما معتقدیم که حزب ما باید بیشتر بر این نیرو تکیه کند (ابراز احساسات) و دولت مان باید بیش از پیش با این نیرو پیوند داشته باشد (کف زدن حضار) و نیز دستگاه تولیدی ما باید بر این نیرو هرچه بیشتر اتکاء کند (ابراز احساسات).

انقلاب از زنان کسوبای امروز يك آرئش واقعی (کف زدن حضار) و از آنان يك نیروی مؤثر سیاسی در اختیار دارد (ابراز احساسات) و به همین علت است که ما می گوییم انقلاب شکست ناپذیر است (کف زدن حضار). زیرا وقتی زنان این سطح از دانش سیاسی و رزمندگی انقلابی را کسب می کنند معنی اش این است که کشور جهش بلند سیاسی داشته و خلق ما به نحو فوق العاده رشد کرده و میهن مان به سوی آینده یی کوس بسته است که هیچ کس را یارای توقف آن نیست. این موضوعات در تمام مواقع بهتر و در سطح برتری قرار خواهد گرفت. و به این دلیل است که انقلاب این چنین توش و توانی دارد؛ و این ها

همه به سبب سازمان‌های توده‌یی و شعور سیاسی خلق و به علت وجود حزب پیش‌آهنگ آن است (ابراز احساسات).

مطلبی در یکی از موافقت‌نامه‌های شما وجود داشت که ارزش تأکید دارد و آن توافقی بود دربارهٔ یک کیلو شکر در هر ماه برای یک سال (کف‌زدن طولانی حضار). این خواست از طرف توده‌ها در روشی سر به سر خود به خودی مطرح شد (ابراز احساسات). هیچ شخصی در حکومت در مورد این که این درخواست از مردم به عمل آید، اشاره یا نظر و پیشنهادی مطرح نکرد.

این درخواست یک‌بار قبلاً در مورد قضیهٔ شیلی مطرح شد. حزب و حکومت به مردم پیشنهاد کرد که باید برای کمک به شیلی به وقتی که مشکلات اقتصادی آن مشخص شود اقدام کرد.

این بار، به محضی که به واقعیت خشکسالی شدید اشاره شد و ازین مطلب سخن به میان آمد که لازم بود قسمت اعظم محصول نیشکر را برداشت می‌کردیم و این که قیمت‌های شکر خیلی بالا بود، بسا از شهروندان در اماکن متعدد هم‌زمان و به‌طور خود به‌خودی درباره این که چه خوب است اگر مصرف شکر خود را قدری تقلیل دهند به گفت‌وگو پرداختند.

بدیهی است، بسا کسان ارزیابی کردند که مصرف داخلی شکر با قیمت‌های کنونی در حدود بیش از ۵۰ میلیون دلار است. و به‌طور خود به‌خودی این ابتکار از میان توده‌ها ظاهر شد. و ما پیشنهاد می‌کنیم: اگر این خواست توده‌ها است و اگر این از پایه مطرح می‌شود، پس باید مورد بحث و تحلیل قرار گیرد؛ اگر تمام سازمان‌ها و تمام مردم

با آن موافق هستند بنابراین ما نیز آن را می‌پذیریم زیرا معتقدیم که نظری است به‌جا و مثبت و صحیح، چون از ته‌دل مردم آگاه و مسئول برخاسته است!

ولیکن بسی مهم‌تر از شکری که باید گردآوری شود و ارزش این شکر، حرکت خلق و علاقه‌ی است که آنان را به امور و مسایل انقلاب دارند. به‌یک کشور سرمایه‌داری بروید و ببینید آیا می‌توانید چیزی از این قسم پیدا کنید!

و آنان اکنون با مسایل تورم و کساد و انواع مسایل دیگر و دشواری‌های هزینه‌زندی و اعتصاب‌هایی از هر نوع دست به‌گریبان هستند. این وضع را با وضع ما مقایسه کنید که در عرصه‌ی آن چنین ابتکار عملی از جانب توده‌ها به‌روشی واقعاً خودبه‌خودی جان می‌گیرد و جامعه عمل می‌پوشد.

ما معتقدیم که ابتکار عمل باید با دیگر سازمان‌های توده‌ی و در تمام مجامع مورد بحث قرار گیرد تا به‌راستی به قالب احساس و رأی جمعی خلق درآید (ابراز احساسات). این خواست بدان معنی است که در قیمت‌های کنونی و حتی در قیمت‌های نسبتاً نازل‌تر - بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون دلار صرفه‌جویی می‌شود. با ۵۰ میلیون دلار بسا کارها می‌توان انجام داد.

ما اینجا از ۱۰۰ باب مدرسه متوسطه در حومه شهر حرف زدیم. حالا هر باب مدرسه ازین نوع حدود یک میلیون پزو خرج برمی‌دارد، اما برحسب ورود مستقیم اجزاء ترکیبی این مبلغ به ۸۰۰۰۰ دلار سر می‌زند. پس با وارد کردن مستقیم اجزاء ترکیبی، با آن ۵۰ میلیون

دلار پس‌افت، ۴۰۰ یا ۳۰۰ باب مدرسه می‌توان ساخت.

فی‌المثل با ۵۰۰۰ تن شکر در این قیمت‌ها یک کارخانه پارچه‌بافی می‌توان خرید که هر سال ۶ میلیون مترمربع پارچه تولید کند، یعنی شش مترمربع اضافه پارچه برای هر نفر (ابراز احساسات). در هر حال، در نخستین مرحله از برنامه پنج ساله، ساختمان سه کارخانه پارچه‌بافی دیگر به اضافه افزودن ظرفیت تولید پارچه و کارخانه‌های کنونی تا حدود ۱۰ میلیون مترمربع مورد توجه قرار گرفته است، چون روشن است یکی از مسائلی که ما باید در آینده کم و بیش نزدیک حل کنیم، مسأله پارچه و مقدار پارچه سرانه جمعیت است. ما آن گونه که در جوامع مصرفی به این قضیه می‌نگرند نمی‌نگریم، اما در مورد این واقعیت که ما به مقداری پوشاک بیشتر احتیاج داریم بحثی نیست و چون و چرا ندارد. و ما احتیاجات زیادی داریم، مثل روبالشی و ملحفه و حوله و چیزهای دیگر ازین دست. ما ازین نیازمندی‌ها به خوبی آگاه هستیم (کف‌زدن حضار). ما از مقدار مصرف سرانه در حال حاضر مطلع هستیم و بدبختانه درین مورد نتوانسته‌ایم تولید را افزایش دهیم. اما اکنون در برنامه پنج ساله آینده قرارداد برخی ازین کارخانه‌ها را بسته‌ایم. بدبختانه از مرحله قرارداد تا ساختمان و تولید کامل سال‌ها وقت لازم است. بدبختانه.

در زمینه‌های دیگر ما با سرعت دم‌افزون پیش می‌رویم؛ لکن در زمینه صنعت پارچه‌بافی ازین لحاظ نسبتاً عقب مانده‌ایم. و یکی از آن سه کارخانه - یا هر تأسیسات صنعتی دیگر - که در مرحله نخستین برنامه جای دارد، با صرفه‌جویی شکر به دست می‌آید. بسا چیزهایی را



که برای خلق بسیار مفید است می توان به دست آورد. و این ۵۰۰۰۰ تن برای يك سال به هزینه برنامه ۸۰-۱۹۷۶ كوكم خواهد کرد. بعضی از رفقا مدتی درازتر را پیشنهاد کردند. از دید گاه ما به زمان درازتر نیازی نیست. آنچه شما پیشنهاد کردید درست است، باید آن را پیشنهاد سال نامید، زیرا با دو سال خشکسالی سختی که داشته ایم مصادف می باشد و این خشکسالی البته بر تولید تأثیر منفی داشته است. اگر ما دو سال قحطسالی نداشته بودیم تولید بس افزون تری می داشتیم و خصوصاً خشکسالی گذشته. و دلیل این امر این است که ذخایر در سرتاسر کشور در پایان فصل بهار خالی شد. ماجرای که قبلاً اتفاق نیفتاده بود. اگر اقدامی در زمینه کشاورزی نمی شد تأثیری که بر جای می نهاد و صف ناپذیر بود. و اگر کمبود بیشتری نیست، دلیلش این است که کار عظیمی در مزارع نیشکر صورت گرفته است. در سال عادی، تحت شرایط دیگر چنان اقدامی ضرورت نداشت؛ ولیکن آنچه فوق العاده هست درك سریع خلق از ارتباط میان خشکسالی و قیمت ها است. چرا؟ چون شکر هم اکنون قیمتی قابل ملاحظه دارد. و به طبع این امر به ما كوكم می کند و ما را خشنود می سازد.

در سال ۱۹۷۰ ما سعی ورزیدیم ۱۰ میلیون تن محصول برداشت کنیم و نتوانستیم؛ اما برداشت محصول شکر سال ۱۹۷۵، در مقایسه قیمت های امروز با قیمت های ۱۹۷۰، برداشتی است به میزان ۲۰ میلیون تن (ابراز احساسات). البته، این بدان معنا نیست که ما يك شبه میلیونر خواهیم شد (نخنده حضار). بسا از فراورده هایی که ما وارد می کنیم نیز بسیار گران است. اگر در آمد بیشتری باشد، باید به خوبی

از آن استفاده کرد. زیرا ما باید این واقعیت را به حساب آوریم که گاه قیمت‌های شکر به سه سنت و به دوونیم سنت نزول می‌کند و با این حال ما باید آن را بدون آن که بر مصرف و بر هر چیز دیگری تأثیر نهد تحمل کنیم. اگر اکنون ما قیمت‌های بالاتری داریم، این امر به تثبیت مالیه و تحکیم اقتصاد ما کمک می‌کند. این بدین معنی نیست که همه آن را ما الان مصرف کنیم، خیر! باید برای پیشرفت به کار رود. من معتقدم که مطلب برای همه ما روشن است، درست است؟ (حضار «بله، بله!») مسأله که این نیست يك سال مثل اشخاص ثروتمند زندگی کنیم (حضار «خیر، خیر!»، بل باید آینده را بسازیم.

پس مشاهده می‌کنید: آنان که ما را تحریم می‌کنند اکنون بدون شکر مانده‌اند (کف‌زدن حضار). شکر در سال ۱۹۷۵ برای آقایان نانجیب امپریالیست چقدر قیمت خواهد داشت؟ میلیارد دلار! پس آنها نه تنها باید برای نفت قیمت بیشتری پردازند، برای شکر نیز ناچارند دلار سبزتری تقدیم کنند! برای حضرات یانکی امپریالیست شکمبار و مال‌مردخوار، میلیاردها دلار خرج برمی‌دارد. باشد، به ما چه مربوط است! (خنده حضار). تا وقتی که شکر در این قیمت بماند ما کلی کیف می‌کنیم (خنده حضار). آنها اکنون بر در هر بام و دری این شعار را می‌نویسند: «شکر مصرف نکنید». و باز از نواز شیرینی‌های مصنوعی استفاده می‌کنند. خوب بکنند. وای این گونه شیرینی‌ها سرطان ایجاد می‌کند، بنابراین آنان وایمانند که چکار بکنند. و برای شکر هم باید بیشتر و بیشتر پردازند! (ابراز احساسات).

البته این شکر کوبا نخواهد بود. شکر کوبا بازار دارد و نوع

خیلی خوبش را دارد. ما عجله‌یی نداریم که به یانکی‌ها شکر بفروشیم. اگر روز و روزگاری خواستند شکر بخرند... ما تحریم‌شان نمی‌کنیم (خنده حضار). ما شکر را به آنها نخواهیم فروخت. ینگه دنیا بغل گوش مان است و به حمل و نقل کمتری نیاز دارد... خب، فقط يك مقدار از شکر را می‌فروشیم، باشد؟ چون ما تعهداتی برای شکر خود داریم که باید اول نیاز خریدارانمان را برآوریم. اما محاصره اقتصادی از آن‌ها است. اکنون خود آنان از لحاظ شکر تحریم شده‌اند و خیاط در کوزه افتاده است.

و کشور ما کارهای خوبی انجام می‌دهد. پیش می‌رود، خوب هم پیشرفت می‌کند و کار در تمام پهنه‌ها و جبهه‌ها بهبود می‌یابد. اما سهم معنوی که شما داشته‌اید یاری دهنده بوده است، این کومکی است که اهمیت مادی بس مهمی دارد. معهذاً از دیدگاه اخلاقی اهمیت آن باز هم بزرگتر است. این آن چیزی است که شعور سیاسی می‌نامند و نام دیگریش عمق ایده‌تولوژی است! بعد از این چه کسی خیال دارد ما را اغفال کند؟ (حضار «هیچ کس!») کدام شخص قصد دارد برای ما دروغ بیافند؟ (حضار «هیچ کس!») چه کسی می‌خواهد ما را گمراه کند؟ (حضار «هیچ کس!») و هر سال که می‌گذرد وضع بهتر می‌شود. با گذشت هر سال ما افراد تحصیل‌کرده‌تر و آگاه‌تر و انقلابی‌تر و انترناسیونالیست‌تر خواهیم داشت (ابراز احساسات) .

پس اینها برداشت‌هایی بود که ما ازین کنگره تاریخی داشتیم. ما گمان می‌کنیم که شما نیز از آن راضی هستید (حضار، «بله!»)

و شما نیز خشنود شدید (حضار، «بلا») و ما همه ازین کنگره احساس غرور می کنیم (حضار، «صحيح است»). من می توانم گفت که برای حزب ما نیز این کنگره مایه افتخار است و از آن راضی و خشنود می باشد (ابراز احساسات و سرودخوانی).

گاه شما می گوید که از ما چیز کی آموخته اید، اما واقعیت این است که ما از شما خیلی چیزها آموختیم (کف زدن حضار) پس درود بر شما و بر خلق قهرمان کوبا و بر زنان نماینده خلق های قهرمان سراسر جهان (حضار، «درود بر همه خلق ها») ، بلی ما از مردم ، از توده ها بسا چیزها فرا گرفته ایم. زیرا آنان همیشه اعتماد به نفس و ایمان و جذبه و شور انقلابی ما را طراوت می بخشند و تقویت می کنند.

شما به تربیت ما کومک می کنید و وقتی من می گویم ، ما، تنها در مقام رهبر حزب سخن نمی گویم ، بل به عنوان يك مرد نیز حرف می زنم (کف زدن حضار و سرود خوانی). شما به همه ما ، به تمام مردان و تمام انقلابیون یاری دادید که آگاهی روشن تری ازین مسایل داشته باشیم . و شما به حزب و به رهبران انقلاب کومک می کنید؛ حزبی که درصد بس بزرگی از مردان در رهبریش خدمت می کنند ( خنده حضار) ، حکومتی که درصد بزرگ مردان چرخ هایش را می چرخانند و بنا برین به نظر می آید که حزب، حزب مردان و دولت ، دولت مردان و حکومت نیز از آن مردان است ، پس برای زنان چه ماندا ( خنده حضار) . روزی فرا خواهد رسید که ما حزبی از زنان و مردان داشته باشیم (کف زدن حضار) و دستگاه رهبری از زنان و مردان و دولت و حکومتی از زنان و مردان (ابراز احساسات).

و من معتقدم که تمام رفقا واقف هستند که این امر ضرورت انقلاب و جامعه و تاریخ می باشد. پویش بالنده تکاملی جامعه چنین حکم می کند.

انقلابیون کبیر معاصر همیشه از نقش زنان آگاهی داشتند :  
مارکس و انگلس و لنین.

لنین چیزی گفته است که بارها درینجا تکرار شده است ، که پیروزی کامل عیار خلقها بدون رهایی کامل زنان نمی تواند حاصل شود .

و مارتی (Marti) ، پیشوای استقلال ما ، آرمانهای بس بلند مرتبه‌پی داشت و سخنان سخت دلنشینی درباره زنان گفت ؛ و نه تنها دلنشین که عمیق و انقلابی. آنجا که گوید مبارزات خلقها تنها وقتی نارسا است که آنان از قلب زنان یاری نمی طلبند، اما وقتی زنان حرکت می کنند و به یاری می آیند و هنگامی که آنان شورانگیز می شوند و تحسین می کنند و زمانی که تربیت می یابند و دردمی که زنان با فضیلت، کارها را با ملاحظت عشق خود جلا می دهند ، کارشکست ناپذیر می شود (ابراز احساسات) . یسا وقتی که همو گوید : پرورش طبیعی زنان امری خارق العاده است . یا هنگامی که اظهار می کند زنان ، به اتکای غریزه، حقیقت را درمی یابند و آن را پیش می برند. یا جایی که بیان می کند زنان همسان مردان زندگی خواهند کرد ، به عنوان يك رفیق و همدم و نه بر روی پاهای آنان همچون يك عروسك قشنگ (کف زدن حضار) .

بیا باید پیروان گرانمایه اندیشه های مارکس و انگلس و لنین و

مارتی باشیم (ابراز احساسات).

ومن می‌دانم که آرزوها و آرمان‌های برحق شما و آن زنان کوبا عمیقاً بر قلوب انقلابیون و دلهای تمام خلق رسوخ خواهد کرد.  
**Patria O Muerte! Venceremos!** - یا مرگ یا میهن! ما پیروز می‌شویم! (زهراة حصار).

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

**لزوم استراتژی کومک کشورهای  
تولیدکننده نفت به کشورهای کم‌پیشرفت**

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)



رفقای عزیز فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری\* ؛  
رفقای کارگر:

امروز سرمایه‌داری و امپریالیسم دوره بحرانی را سر می‌کند. دیگر حتی خوش‌بین‌ترین آرمان‌شناسان (ایده‌نویس‌ها) جوامع بورژوا نمی‌توانند در مقابل شک‌گرایی و پیش‌گویی‌های تاریک و مبهم خود سکوت اختیار کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند خبر دهد که کی و چگونه مارپیچ تورمی بی‌سابقه‌ی که جهان سرمایه‌داری در آن گام نهاده است خنثی و بی‌اثر تواند شد. کسی نمی‌داند که چسان وضع کساد در تولید و بی‌نظمی غیرقابل کنترل در سیستم پولی بین‌المللی و بی‌کاری دم‌افزون و بحران بوم‌شناسی (اکولوژی) ناشی از نابودی محیط و حاد شدن فوق‌العاده تناقضات طبقاتی و کشاکش اجتماعی به‌طور کلی - که برای مدتی با پدیداری به اصطلاح بحران انرژی در

\* این گفتار را کاسترو به احترام شرکت‌کنندگان در بیست و پنجمین

اجلاس شورای عمومی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، هاوانا، ۱۸ اکتبر سال ۱۹۷۴ در «پانزدهمین سال گشت انقلاب» ایراد کرد.

صحنه شدیدتر شده است - متوقف نخواهد شد یا تا کجا ادامه خواهد یافت.

به دیدهٔ بسا اشخاص ، جهان سرمایه‌داری امروز در آستانهٔ شدیدترین مصیبتی قرار گرفته که از دورهٔ تاریک بحران اقتصادی بزرگی سال‌های ۳۰ تا کنون با آن روبرو نشده است.

در اواخر دههٔ گذشته، اقتصاد سرمایه‌داری، که به واسطهٔ سنگینی بار تناقضات خاص خود و مهم‌تر ازین به سبب اشتباهی سیری ناپذیر انحصارهای بزرگ برای سود، به دورهٔ خصوصاً آشوب‌ها و اغتشاش‌های شدید پای گذاشت. در پی فراز و فرودهای مختلف و اقدامات توفیق‌آمیز از جانب حکومت‌های بسورژوا به منظور تثبیت و کنترل اوضاع، نمودارهای اقتصاد سرمایه‌داری، از نیمهٔ اول سال گذشته، کاهش چشمگیر در تولید را نشان می‌دهد که با تشدید دیگر عواملی که بحران را پدید آورده همراه بوده است. در ایالات متحد، که بیکاری در بالاترین سطح سال‌های اخیر بوده است -  $5/8$  درصد - پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۹۷۵، به میزان  $6/5$  درصد خواهد رسید و این بسا بالاتر از تفاوت احتیاطی است که کارشناسان در تعیین وجود کساد اقتصادی مشخص کردند.

امپریالیست‌ها، و سرآمد همهٔ آنها امپریالیست‌های یانکی که - با منکی ساختن خود به کاربرد چیرگی‌های انقلاب علمی - تکنیکی و نابکارانه‌ترین بهره‌کشی‌ها از کشورهای کم‌پیشرفت - در پی جنگ جهانی دوم به پیشرفت اقتصادی نسبتاً استواری نایل آمده بودند، اکنون خود را در برابر واقعیتی یافته‌اند که، امحای تناقضات ذاتی

نظام نه تنها سهل نیست بل این عوامل به وسیله حاد شدن در سطح کیفی بالاتری لطمه دیده است . بهانه تر اشان جوامع صنعتی بورژوا که تمام پندارهای آرمانی خود را بر اساس سرمایه داری عاری از تناقضات استوار کرده اند ، اکنون خود را مشوش و مبهوت می یابند . در سراسر جهان سرمایه داری به تمامه جنگ های طبقاتی در شکل بی سابقه بی دامن می گسترده . اعتصاب ها افزون می شود و شماردم افزونی از کارگران را در بر می گیرد . مسایل مربوط به تشدید کار و مسابقه نگران کننده دستمزدها و بالا رفتن قیمت های کالاهای مصرفی و کاهش حقوق تقاعد و تأمین اجتماعی به طور کلی و فقر دم ریز بخش های بزرگ حاشیه نشین جمعیت در چهارچوب کلان - شهرهای بورژوا و مسایل اختناق آور آموزش و بهداشت و حمل و نقل و مسکن و مسایل دیگری که بی وقفه بر توده های بزرگ و کار فشار وارد می آورد ، به تمامه تشدید می شود .

مسألة به اصطلاح بحران انرژی آشکارا مشکلات امپریالیسم را تصویر می کند .

این بحران در واقع بحران سیاست بهره کشی و چپاول نابخردانه امپریالیسم از منابع انرژی جهان است که به هزینه کشورهای تولید کننده کم پیشرفت و به خاطر منافع نجومی انحصارهای بزرگ بین - المللی تمام می شود . در عمق ، پایداری برحق کشورهای را می بینید که مواد خام تولید می کنند و دیگر نمی خواهند مبادلات غیر عادلانه و نابرابری را بپذیرند که کشورهای پیشرفته سرمایه داری بر آنان تحمیل می کند .

جهان کم پیشرفت و استعمار زده، که تا دیروز به قیمت بردگی و خون و بهره کشی غارتگرانه اش، جوامع صنعتی بورژوازی اروپا و امریکای شمالی قد برافراشت، امروز با سیه روزی خود پنجه در پنجه می افکند و در گروهی منابعی که می تواند فردا به عنوان اساس پیشرفت آن به کار گرفته شود، به يك مشت جامعه مصرف کننده تجملات پوچ و جنایت بار بدل شده است. لکن این اصطلاحات، که قرن ها تغییر ناپذیر باقی مانده است، امروز بیش از پیش تحمل ناپذیر می شود. کشورهای کم پیشرفت که مواد خام مصرفی در کلان- شهرهای صنعتی بورژوا را تأمین می کند در دفاع از منابع طبیعی خود سلاح نیرومندی یافته است که به اتکای آن قصد دارد به مصاف مبادلات غارتگرانه و نابرابری برود که از دیرباز با آن دست به گریبان بوده است.

معلوم است که چگونه سازمان کشورهای صادرکننده نفت (یا OPEC) اقداماتی به عمل آورد - یعنی به وقتی که قیمت های نفت را بالا برد - که عکس العمل تجاوزکارانه دولت مردان ایالات متحد امپریالیست را باعث آمد، هم اینان از آن کشورها درخواست کردند که قیمت های تثبیت شده خود را کاهش دهند و از آنان به سبب دامن زدن به وضع تورمی جهان خرده گرفتند و تهدیدشان کردند که در زمینه تأمین مواد خوراکی تلافی خواهند کرد و ازین گذشته با لحن روزقیامتی زورچپان و راهزنانه خود به آنان فهماندند که گرایش آنها طیف جنگ را همراه خواهد داشت.

راستی، چه کسانی تنها مقصران واقعی مسأله حاد انرژی هستند

که درین برهه از زمان پدید آمده است؟

انحصارهای نفتی و اساساً یانکی‌ها از اقدامات محدود سازنده‌یی که کشورهای صادرکننده عربی به هنگام آخرین کشاکش اعراب و اسرائیل اعمال کردند بهره جستند، تا ذخایر پنهان شود و هراس دامن گسترد و بالا رفتن قیمت فراورده‌های نفتی را به این جهت پدید آوردند تا منافع خود را در سطح خارق‌العاده‌یی افزایش دهند .

پس جای تعجب نیست که هفت شرکت عمده نفتی اعلام کنند که منافع آنها در سال ۱۹۷۳ ۸ میلیارد دلار بوده است - یعنی ۷۷ درصد بیشتر از منافع سال قبل - و پیش‌بینی می‌کنند در سال جاری (۱۹۷۴) ۱۷/۵ میلیارد دلار سود ببرند.

انحصارهای نفتی و اساساً یانکی‌ها بودند که قیمت‌های گزاف را بر بازار بین‌المللی تحمیل کردند تا سودهای گزاف افسانه‌یی به‌چنگ آورند. این واقعیت که، در اواسط سال گذشته، استخراج یک تن نفت در خاورمیانه ۷۵ سنت تمام و به قیمت ۲۱ یا ۲۲ دلار فروخته می‌شد خود بیانگر این امر است. توجه به این نکته نیز خالی از فایده نیست که تفاوت میان قیمت متوسط نفتی که به کشورهای تولیدکننده به اصطلاح جهان سوم پرداخت می‌شد و قیمتی که تولیدکنندگان نفت در داخل کشورهای سرمایه‌داری، اساساً در ایالات متحده تنها در دوره ۲۰ ساله گذشته پرداختند موازنه‌یی برابر با ۲۱۵ میلیارد دلار باقی می‌گذارد که برای متورم کردن خزاین انحصارهای نفتی و کلان - شهرهای امپریالیستی به جیب آنها سرازیر شده است.

افزایش قیمت‌های نفتی را، از سوی دیگر، نباید عامل تعیین

کننده در تورم جهانی انگاشت، تورم قبل ازین که این گونه اقدامات صورت پذیرد به طور قابل ملاحظه‌ای آغاز شد و نتایج آن پیش از همه گریبان کشورهای کم پیشرفت را چسبید. لزومی نداشت که امپریالیست‌ها برای قیمت‌های نفتی که داشت افزایش می‌یافت منتظر بمانند تا بدون توجه، قیمت‌های خوراکی و مشتقات پتروشیمیایی و تجهیزات و ماشین‌ها و بسا از دیگر فرآورده‌های ضروری را افزایش دهند. امپریالیست‌ها، با ماجراجویی‌های نظامی خود و با هزینه‌هایی که برای حفظ نقش کراهِت آمیزشان به عنوان پلیس بین‌المللی خرج می‌کنند و با غارتگری‌های مداوم خود لزومی نمی‌دیدند که افزایش قیمت‌های نفتی را انتظار بکشند تا دلارهایی را که کشورهای تولید کننده مواد خام در مبادله منابع طبیعی خود دریافت می‌کردند به اسکناس‌های بی‌ارزش تبدیل شود. در آن هنگام هیچ حکومت امپریالیستی در باره وضعی که آن دسته از کشورها گرفتارش شده بودند نگرانی به خود راه نداد. جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی و خیل جوامع مصرفی و تجاوز جنایتکارانه علیه ویتنام - که به قیمت ۱۵۰ میلیارد دلار تمام شد - و هزینه‌های کلان نظامی ایالات متحد با کسری بودجه آن و نظام سرمایه داری بسا هرج و مرج اقتصادی به تمامه تورم و بحران پولی را باعث آمد.

امپریالیست‌ها، اما، نمی‌خواهند این واقعیت را بر خود هموار سازند که نظامی که آنان بر جهان تحمیل می‌کنند در ورطه بحران دست‌وپا می‌زند؛ و با هر اسباب و وسیله و علی سعی می‌ورزند که از بحران فرار کنند، منجمله اگر امکان داشته باشد به جنگ متوسل

می‌شوند و بار سنگین فدا سازی‌ها را بر گرده کارگران خود و کشورهای کم‌پیشرفت می‌اندازند. آری، برادر چنین است دردناک‌ترین تراژدی اقتصاد-سیاسی روزگار ما!

چند روز پیش ما ازین واقعیت سخن گفتیم که استراتژی بانکی‌های امپریالیست این بود که کشورهای صنعتی سرمایه‌داری را با هم تحت رهبری خود در آورند و خلاق‌های جهان سوم را متفرق کنند و به منظور تحمیل شرایط خود کشورهای تولید کننده نفت را منزوی سازند.

نیز گفتیم که در مقابله با استراتژی امپریالیستی، یک پارچه‌ترین اتحاد در میان تمام کشورهای کم‌پیشرفت امری ضرور است. لکن این اتحاد، اساساً به این بستگی دارد که کشورهای تولید کننده نفت چه کار انجام دهند. و ما بر این نکته اصرار می‌ورزیم. این کافی نیست که تنها استراتژی افزایش قیمت‌ها را دنبال کنیم. بسا کشورهای کم‌پیشرفت جهان سوم نفت یا دیگر مواد خام عمده در اختیار ندارند. افزایش همزمان قیمت‌های مواد خوراکی و فراورده‌های مصنوعی و تجهیزات تکنولوژی و انرژی، نتایج مصیبت باری به بار می‌آورد. واردات ماشین‌ها و نیز مواد سوختی و قیمت فراورده‌های صادراتی آنها به ندرت اسعار تمام شده را تأمین می‌کند.

چه چیز باید در اختیار این کشورها گذاشت؟ کدام تکفوی اقتصادی و چه نوع همکاری در پیشرفت آنها لازم است تا آنها بتوانند با کشورهای تولید کننده نفت آرمان مشترکی بیابند از آن سبب که این کشورها مواد خام ممتاز مصرفی جهان را در اختیار دارند که قیمت آنها بسا بالاتر از قیمت تولید آن است، در نزد خود بخش عظیمی

از ذخایر پولی جهان را می‌اندوزند؟

کشورهای صنعتی سرمایه‌داری به افزایش اسعار فرآورده‌های مصنوعی و ماشینی و تجهیزات تکنولوژیی متوسل می‌شود و این کار را هم اکنون به گونه‌ی سخت افسار گسیخته انجام می‌دهند. جان‌پناه اصلی امپریالیسم، یعنی ایالات متحده منابع انرژی قابل ملاحظه‌ی خاص خود را در شکل نفت و گاز و ذغال سنگ و سنگ‌های قیری و پروژه‌های هیدروالکتریک و پیشرفته‌ترین تکنولوژی در جهان غرب برای گسترش نامحدود انرژی اتمی را در اختیار دارد. افزون بر این، صادر کننده‌ی طراز اول مواد خوراکی جهان است. ممالک متحده برای مقاومت و چیرگی بر بحران انرژی در وضعی به مراتب بهتر از مابقی جهان سرمایه‌داری قرار دارد. برآیند نهایی ایسن بحران ممکن است این باشد که ایالات متحده نفوذ و سلطه‌ی خود را باز هم بیشتر بر اقتصاد جهان غرب توسعه دهد. این کشور امروز از بابت وضع خاص اقتصاد خود به عنوان خطر فروریختن سرمایه‌داری در سطح جهانی چندان نگرانی عمده‌ی ندارد.

درین وضع، برای کشورهای کم‌پیشرفت که پیش ازین به آنها اشاره کردیم کدام دورنماها باقی می‌ماند؟ فقر و تنگدستی افزون‌تر و ازدست دادن تمام امیدها برای پیشرفت آینده. بیش از چند کشور ازین گونه در جهان وجود ندارد و نمی‌توان آنها را به امان سرنوشت خود رها کرد. به خاطر آنها است که کشورهای تولید کننده‌ی نفت با اضافات مالی کلان خود باید استراتژی کومک برای پیشرفت را پیش بگیرند که تا اندازه‌ی می‌تواند افزایش قیمت انرژی را که بر این گونه



کشورها از دوراه لطمه وارد می‌آورد جبران کند؛ از راه واردات از جهان سرمایه‌داری صنعتی و از طریق واردات مواد سوختی. بدبختانه، این کار سهلی نیست زیرا کشورهای تولیدکننده نفت بلك سياسي متجانس را تشكيل نمی‌دهند. راست است که آنها هنوز يك استراتژی اقتصادی را در ارتباط با جهان سوم پیش نگرفته‌اند، جهانی که متحد طبیعی آنان به‌شمار می‌رود؛ لکن در عین حال اخبار میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری توسط کشورهای صادرکننده نفت در این چندماه در ایالات متحد و دیگر کشورهای سرمایه‌داری صنعتی در همه‌جا درز پیدا کرده است، این آقایان در کشورهای سرمایه‌گذاری کرده‌اند که بهره‌کشان تاریخی جهان کم‌پیشرفت بوده‌اند. این امر می‌تواند به شکل تازه‌بی از بهره‌کشیدن و سیه‌روز کردن بسا خلق‌های جهان سوم تبدیل گردد و بدین‌سان بر سرمایه و ثروت قابل دسترس کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بیفزاید.

وروزی که بخش اعظم پول از برخی کشورهای تولیدکننده نفت در جهان سرمایه‌داری سرمایه‌گذاری شود، دیگر نفت برای آنان وسیله‌رهایی نخواهد بود و سرمایه‌ها در نزد امپریالیسم گرو خواهد ماند. عدم يك خط‌مشی صحیح به شکست منتهی تسواند شد و درین جنگ که برای تمام کشورهای کم‌پیشرفت انقدر حیاتی و خطیر است، تحمل‌ناپذیر است که آدمی خودپرست یا کور باشد (ابراز احساسات). لازم است که تمام کشورهای کم‌پیشرفت، همگام با حمایت و تفاهم کارگران استثمارشده و تحت ستم کشورهای سرمایه‌داری صنعتی مبارزه‌بی قاطع را علیه مبادلات غیر عادلانه و چپاول منابع طبیعی خود

پی بگیرند.

شمار بشریت به تقریب چهار میلیارد تن می باشد و در طی ۲۵ سال شمار آنان به هفت میلیارد تن سر خواهد زد، اکثریت این انسانها در کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین زاده می شوند و در سرزمینهای این قارهها که امروز کم پیشرفت است زندگی خواهند کرد. آیا این هفت میلیارد نفوس انسانی را به اتکای سپردن منابع طبیعی آن کشورها به بهره کشی شتابان و بی رحمانه انحصارهای امپریالیستی می توان خوراک و پوشاک و آموزش داد و برایشان کار ایجاد نمود؟ اگر ساختارها و نظام مناسبات مبادلاتی غیر عادلانه کنونی که با کشورهای سرمایه داری صنعتی وجود دارد حفظ گردد، کشورهای کم پیشرفت جهان سوم خواهند توانست با این چالش خوفناک تاریخ پنجه در پنجه افکنند؟ نه آیا راست است که چپاولگری نابخردانه منابع توسط مشتی جامعه مصرف کننده بورژوا و امحای آشوب گرایانه منابع برگشت ناپذیر و حیاتی مهم توسط آنان و آلودگی که در زمین و رودخانهها و دریاها و هوا ایجاد می کنند، جنایت محرزی است که آینده نژاد انسانی را جداً به خطر می اندازد؟

البته، کم پیشرفتی تنها علت شوربختی تودهها نیست زیرا به این علت باید بسا علل استثمار خلقها را توسط اولیگارشیهای ارتجاعی و بورژوازیهای ملی افزود. چاره کار این است که نه تنها باید به مبادلات غیر عادلانه پایان داد، بل همچنین باید تمام اشکال بهره کشی فرد از فرد را از بیخ و بن بر کند (کف زدن حضار).

به دیده ما این گونه مسایل مستقیماً به کارگران سراسر جهان و

جنبش اتحادیه کارگری مربوط می شود که باید نقش فوق العاده دلیرانه و قاطعانه خود را درین لحظه بازی کنند که بحتمل نقشی برتر برای آینده بشریت می باشد.

در امریکای لاتین، که تا دیروز صحنه استیلای ظالمانه و تحقیر کننده بود، امروز حاکمیت از آن کشورهای روبه اکثریتی است که حق کنترل ثروت خود را طلب می کنند و هواداری خود را از پیشرفت اقتصادی مستقل اعلام می نمایند و برای بسط مناسبات با کشورهای سوسیالیستی گام برمی دارند و علیه مداخله سیا (CIA) و شرکت های چند ملیتی یانکی ها بیامی خیزند و به تلقینات امپریالیسم بسی اعتنایی می نمایند و سیاست خارجی حاکمی را دنبال می گیرند تا توان پرتوش خود را به حریف نشان دهند. فروریختن بالنده تحریم جنایت آمیز اقتصادی و انزوای دیپلماتیکی که حکومت ایالات متحد علیه کوبا تحمیل کرد دلیل قاطع این خط مشی تازه است. امپریالیسم ینگه دنیا در مواجهه با این واقعیت تغییر ناپذیر ملتبهانه مانورهایی را پی میگیرد و از طریق استقرار رژیم های سر به سرفاشیستی به تعرضی ارتجاعی در کشورهای مختلف دست می یازد تا حلقوم تمام آزادی هارا بی رحمانه بفشرد و کارگران و مردم و جنبش انقلابی را به سختی سر بکوبد.

استبداد فاشیستی که در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۷۳ قدرت را در شیلی قبضه می کند، این ناقص الخلقه ترین و خوارمایه ترین مخلوق سیا و امپریالیست های یانکی، محسوس ترین تظاهر این سیاست است. امروز ما به انکای اطلاعات و افشاگری های عناصر و مقامات خود اداره اطلاعات مرکزی و از طریق حکومت ایالات متحد می دانیم که این آنان بودند که طی ده سال پیاپی تلاش ورزیدند، نخست از پیروزی ملی انتخاباتی و بعد از تصدی ریاست جمهوری آلنده

جلو گیرند و سرانجام با هدایت و کومک مالی ، اقداماتی را در جهت  
 اعتصاب های کارفرمایان و خرابکاری ها و سوء قصد ها و تحریم های  
 اقتصادی و مالی و تظاهرات جناح راست و اخبار افتراه آمیز و توطئه  
 فرماندهان ارتجاعی نیروهای مسلح دامن زدند و فتنه انگیز شدند تا  
 به کودتای کشیف و جنایت آمیز ۱۱ سپتامبر و قتل آئنده رئیس جمهور  
 قهرمان خلق شیلی ( کف زدن حضار ) و سرکوب و وحشیانه بی انجامید که  
 از آن زمان زندگانی هزاران میهن دوست شیلیایی را نابود کرده است .  
 از آن پس سرزمین او اگنز ( O'Higgins ) ، برناردو - « آزاد کننده  
 شیلی » ، سردار و رهبر انقلابی شیلی ۲۳-۱۸۱۷ مترجم ) دردناک ترین  
 صفحه از تاریخ خود را رقم زده است . شورای نظامی فاشیستی ، بر  
 روی کوهی از اجساد از آریکه قدرت بالا رفت و همه آن را منزوی و  
 رها کردند و این شورای هفت خطان دژخیم نو کر صفت خون آشام  
 تنها و تک افتاده به اتکای شکنجه و سرکوب و گرسنگی و ترور ، که  
 خاص رژیم های ضد مردمی و ارتجاعی و جزم اندیش و استبدادی  
 جهان است چند روز و سالی بیشتر خود را بر مناره کله ها و چشمخانه  
 های بی حدقه حفظ می کند . باشد آن روز که جنبش توفانزای خاق همچون  
 گردبادی کران تا کران بر فرق کله های پوک اینان فرود آید و حیات  
 کثیفشان را برای خلق تحت ستم از صحیفه آن سرزمین قهرمانان  
 برشوید و بروید و براندازد ( کف زدن حضار ) . این بیست و پنجمین  
 اجلاس شورای عمومی فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری  
 یکی از زیباترین و مبرم ترین شعارها را از فعال ترین و پویاترین و مصمم  
 ترین همبستگی ها با خلق شیلی و طبقه قهرمان کارگر آنان برپا داشته  
 است . ( ابراز احساسات ) این شورای عمومی ، سال ۱۹۷۵ را سال  
 همبستگی با شیلی و همه قربانیان جهانی ارتجاع و فاشیسم اعلام کرده  
 است . خلق انقلابی و طبقه کارگر و نهضت اتحادیه کارگری ما از هیچ

گونه تلاشی در جهت این ابتکار تابناک تا بالاترین نقطه اجابت و کار کرد آن فرو گذار نخواهد کرد .

ما بر آن هستیم که بسیج امریکای لاتین و نهضت جهانی اتحادیه کارگری می تواند نقش بس مؤثری در وظیفه منزوی کردن هرچه بیشتر شورای نظامی فاشیستی شبلی بازی کند و نگذارد که آنان ساز و برگ های را که از چند کشور مختلف سرمایه داری درخواست کرده اند دریافت کنند ، چه ، قصد آنان این است که با آن سلاح ها مقاومت خلق را علیه رژیم کثیف خود سر بکوبند ، دست این جلادان را کوتاه کنید و زندگی رزمندگان خلق را که در سیاه چال ها و اردو گاه های کار اجباری به بند کشیده شده اند نجات دهید . شما کارگران

سراسر جهان هر چه يك پارچه تر متحد شوید! (ابراز احساسات)  
اکنون ، اما ، دیگر زمان آن گذشته است که فاشیست ها و امپریالیست ها بتوانند از روی هوی و هوس خود این کار را بکنند یا آن کار را نکنند . پیروزی انقلاب اکتبر و پیشرفت کشور شوراهای و پیروزی قهرمانانه خلق آن بر فاشیسم و ظهور اردو گاه سوسیالیسم و پیشرفت های فوق العاده آن در تمام زمینه ها و ظرف های جنبش آزادیبخش خلق های زیر سلطه استعمار و استعمار نو و پیروزی قهرمانانه و نمونه خلق ویتنام (کف زدن حضار) تغییرات ژرفی در نیروهای به هم پیوسته جهان پدید آورده است ، امروز شرایط سر به سر دلخواهی برای کشورهای انقلابی و اوضاع کاملاً ناسازگاری برای امپریالیسم و پسر عم تنی اش ارتجاع جهانی وجود دارد . بنابراین ، ما کوچک ترین تردیدی نداریم که خلق شبلی و تمام خلق های تحت ستم این قاره نیز پیروز خواهند شد! (ابراز احساسات) ما کمترین شکمی نداریم که جنبش انقلابی و آزادی دسر تاسر جهان پیش خواهد رفت بدون آن که کسی قادر باشد آن را متوقف کند! (کف زدن حضار)

انقلاب ما که ، با رزمندگی پایدار و کوشش های فداکارانه

کارگران ما همراه با مساعدت‌های برآورد میهن‌لینین از بهر آزمون‌های  
این سال‌های محاصره اقتصادی و تجاوز و انزوای تقدیمی امپریالیسم  
با سرافرازی قامت برافراشته است، امروز بسا گامی مطمئن در راه  
پیشرفت اقتصادی و تربیت نسل‌های تازه و آموزش و تربیت همه مردم  
به‌انکای عمیق‌ترین روحیه همبستگی و انترناسیونالیسم پیش می‌رود.

ما نیک می‌دانیم، که در گزینش هاوانا به عنوان استاد این  
اجلاس با اهمیت، شما نیز میل داشتید همبستگی و احساسات برادرانه  
فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری را نسبت به انقلاب و طبقه کارگر  
و سازمان مرکزی اتحادیه‌های کارگری کوبا ی ما ابراز کنید و  
نسبت به یکی از اشخاصی که معلم کارگران کوبا و یکی از اعضای  
پرشور فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری بود یعنی رفیق  
فراموش ناشدنی لازاروپنا (Lazaro Pena) این احترام نمایند  
(کف زدن طولانی).

این حرکت برادرانه و انقلابی از جانب شما نمایندگان معتبر  
ترین و استوارترین سازمان‌های کارگران رزمنده نهضت جهانی اتحادیه  
کارگری عمیق‌ترین و بی‌شایبه‌ترین تشکرات ما را سبب می‌شود.  
نهضت کارگران ما که امروز تواناست و در پیکار آب دیده شده و جنبشی  
است دموکراتیک درین فرصت به اطلاع شما می‌رساند که در انجام  
وظایف فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری از هیچ گونه تلاشی  
دریغ نخواهد ورزید. در مقابل انگیزش‌های پرشوری که شما برای  
ما به ارمغان آوردید، انقلاب ما تنها به یک طریق ممکن می‌تواند پاسخ  
بگوید: به‌انکای این که هر روز نسبت به اندیشه‌های مارکس و انگلس  
و لنین، انقلابی‌تر و انترناسیونالیست‌تر و وفادارتر باشید!

**Patria O Muerte! Venceremos!** - یا مرگ یا میهن! ما

پایان

پیروز می‌شویم! (زه‌آزه حصار)

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

www.KetabFarsi.com



۴۰ ریال

انتشارات شاهنگ - خیابان انقلاب - فروردین - مشتاق